



کرنا؛
کشورهای فقیر نباید اقدام به
تعطیلی کامل مشاغل می کردند

صفحه ۳

چرا زبان پشتو را یاد نگرفتیم؟

صفحه ۳

بنیادگرایی دیپلماتیک

صفحه ۴

مشیت در هوا کوبیدن‌های طالبان

هشدار طالبان به حضور نظامی امریکا در
آن سوی مرزهای افغانستان چقدر جدی است؟



صفحه ۴

کودکی ۶ ساله که در اردوگاهی
در سوریه به زنجیر کشیده
می شد و گرسنگی می کشید،
سرانجام مرد

صفحه ۵

یادداشت روز

حذر از خطای راهبردی دیگر

آزادی پنج هزار زندانی طالب بدون ضمانت لازم
یک خطای راهبردی بود. برپایه‌ی گزارش‌های
رسمی بیشتر زندانیان رهاسازنده طالبان دوباره به
میدان جنگ برگشتند و از نظر نظامی کمک
قابل توجهی برای طالبان بود و سنگرهای خالی
طالبان دوباره پر شد. هرچند تصمیم آزادی
زندانیان نوعی نشان حسن نیت و یک الزام برای
شروع مذاکرات بین‌الافغانی بود، اما نفس این
کار خطا و تن دادن به مصلحت سیاسی بود.
طالبان در حالی موفق شدند که هزاران زندانی
خود را رها کنند که در عمل میدان‌های جنگ
گرم‌تر و خشونت در سراسر افغانستان گسترش
یافت. شروع مذاکرات بین‌الافغانی و آنچه در
میز مذاکرات رخ داد، اصولاً فاقد ارزش هستند.
زیرا آزادی زندانیان الزاماً هیچ کمکی به روند
صلح، کاهش خشونت‌ها و پیشرفتی در روند
صلح نکرد.

گفته‌ی تازه حکمتیار دست کم در یک مورد جدا
جای نگرانی دارد: آزادی و موافقت با رهایی
هزاران زندانی طالبان. توافق روی طرحی که
حکمتیار دو روز قبل آن را فاش کرد می‌رساند
که حکومت افغانستان...

۲

۳۰ فوتی و ۱۵۶۶ مریض جدید؛ بالاترین آمار روزانه‌ی کرونا در افغانستان ثبت شد

وزارت صحت عامه‌ی کشور می‌گوید که در ۲۴ ساعت گذشته ۱۵۶۶ مورد مثبت ویروس کرونا در ولایت‌های کابل، هرات قندهار، بلخ، ننگرهار، تخار، بغلان، قندوز، نیمروز، فاریاب، پروان، هلمند، پکتیا، میدان وردک، بدخشان، لغمان، کاپیسا، بامیان، غزنی، کنر، دایکندی، پنجشیر، بادغیس، زابل، غور، ارزگان، خوست، سرپل، پکتیکا و جوزجان شناسایی شده‌اند.



صفحه ۲

«تغییر هویت»
با تیغ جراحی؛
رونق تغییر جنسیت
تراجنسی‌ها
در هرات



۷

اسدالله خالد:

همکاری دنیا با نیروهای امنیتی افغان
تا ۲۰۲۴ میلادی ادامه می‌یابد

اطلاعات روز: اسدالله خالد، وزیر دفاع ملی که پس
از مدت طولانی دوباره به وظیفه‌اش برگشته است،
می‌گوید که خروج نیروهای خارجی از...

۲

مجلس نمایندگان:
ادامه‌ی خشونت
و قتل‌های هدفمند
پالیسی باخت-
باخت است و
پیروز ندارد



۲

فروش زمین

یک قطعه زمین به مساحت {9080 متر مربع} واقع قرغه {تاحیه 5، کابل-افغانستان} به قیمت مناسب
به فروش رسانیده میشود. ضرورت مندان و اشخاصیکه خواهان خریداری آن باشد به شماره تلفون
های ذیل تماس گرفته معلومات اخذ نمایند.

+93 (0)797888154 / +93 (0)798888802



بسته‌های ویژه اینترنتی برای
بلاک‌های رهائشی و خانه‌های انفرادی



ادامه‌یادداشت‌روز

همچنان حاضر است در صورت ایجاب منفعت سیاسی تن به مصلحت سیاسی دیگر بدهد و با آزادی هفت‌هزار زندانی طالبان توافق کند. هرچند قبلا نیز رییس‌جمهور غنی به رهایی این تعداد زندانیان چراغ سبز نشان داده بود. طالبان با هوشیاری دوباره احیای مذاکرات را به آزادی هفت‌هزار زندانی دیگر این گروه، گره زده و خواهان آزادی هفت‌هزار زندانی جدید هستند. اما واقعیت این است که موافقت با آزادی این هفت‌هزار زندانی بدون تن‌دادن طالبان به مذاکره واقعی و معنادار یک خطای راهبردی دیگر است. رهبران حکومت افغانستان باید از آن برحذر باشند.

در حال حاضر طالبان کم‌ترین تعهدی به صلح ندارند و همچنان متکی به خشونت‌اند. از این‌رو مبادرت به آزادی زندانیان آنان هیچ توجیه نظامی و سیاسی ندارد. همچنین هیچ ضمانتی وجود ندارد که جنگ‌جویان تندرو و خطرناک طالبان دوباره به میدان جنگ بازنگردند. نشست سری که قرار بوده در پاکستان برگزار شود و غنی هم موافقت کرده که در این نشست شرکت کند، یکی از اهداف اصلی آن قبول‌اندن خواست طالبان مبنی بر آزادی هفت‌هزار زندانی جدید است. ممکن است این نشست صورت بگیرد و این خطر وجود دارد که رهبران حکومت افغانستان مجاب شود که با آزادی این تعداد زندانیان طالب موافقت کنند.

بر پایه‌ی گفته‌های منابع در افغانستان قرار است بخشی از هیأت مذاکراتی افغانستان امروز و شماری هم به‌زودی به قطر برگردند. اما واقعیت این است که نشست قطر دیگر یک روند سوخته است. این نشست‌های بیشتر جنبه تعارفی دارد. طالبان در پی یک بازی برد-باخت است. همچنان با بازی دیپلماتیک زیر نام مذاکرات صلح در صدد امتیازگیری‌های بی‌حد و حصر است. بدون این که بخواهد از بار هزینه‌های ناموجه انسانی، معنوی و مادی جنگ بکاهد.



موضوع آزادی هفت‌هزار زندانی طالبان با دور قبل تفاوت دارد. آزادی پنج‌هزار زندانی جزء توافق‌نامه آمریکا و طالبان بود. این روند با فشار سیاسی آمریکا بر حکومت افغانستان قبول‌انده شد. اما تصمیم رهایی هفت‌هزار دیگر، مربوط حکومت افغانستان است. نظر مردم افغانستان این است که آزادی زندانیان طالبان مطلقا به بعد از هر نوع توافق سیاسی موکول شود. اشتباه راهبردی طرف‌های دیگر و البته زیرکی طالبان از آغاز همین بود که رهایی زندانیان این گروه به پیمان‌ه زیاد قبل از هر نوع توافق سیاسی به مثابه‌ی یک مطالبه اساسی طالبان به رسمیت شناخته شد.

کاری که در هیچ روند صلح معمول نبوده است. در سنت صلح و توافق‌های سیاسی معمول این است که طرف‌های مخاصمه قبل از توافق روی موضوعات مثل کاهش خشونت، قطع نسبی جنگ و اقدامات جزئی‌تری مثل آزادی برخی زندانیان موافقت می‌کنند. موافقت روی تمام سرنوشت زندانیان دو طرف و عفو جنایت‌های صورت‌گرفته در ایام جنگ یک امر پسا توافق است.

۳۰ فوتی و ۱۵۶۶ مریض جدید؛ بالاترین آمار روزانه‌ی کرونا در افغانستان ثبت شد

بغلان، هلمند، میدان‌وردک، لوگر، غزنی و جوزجان فوت کرده‌اند. شمار مجموعی فوتی‌های کرونایی به دوهزار و ۹۷۴ نفر افزایش یافته است. همچنین در شبانه‌روز گذشته ۱۸۱ مریض کووید-۱۹ در ولایت‌های هرات، قندهار، ننگرهار، قندوز، پروان، هلمند، میدان‌وردک، بدخشان، پنجشیر، پکتیکا، جوزجان و نورستان بهبود یافته‌اند. شمار مجموعی بهبودیافتگان تا کنون به ۵۷ هزار و ۶۳۰ نفر رسیده است. میزان ثبت مریضان کووید-۱۹ و فوتی‌های ناشی از این ویروس در یک شبانه‌روز گذشته از زمان شیوع کرونا در افغانستان بی‌سابقه است.

اسدالله خالد:

همکاری دنیا با نیروهای امنیتی افغان تا ۲۰۲۴ میلادی ادامه می‌یابد

به جنگ ادامه می‌دهد. او ابراز امیدواری کرد که روز و ساعتی فرا برسد که طالبان از لجاجت دست بکشند و همه در فضای صلح‌آمیز و آرام زندگی کنند. وزیر دفاع ملی در ادامه‌ی صحبت‌هایش به شایعات سقوط نظام و فروپاشی ارتش واکنش نشان داد. خالد گفت که نیروهای امنیتی و دفاعی افغان به‌شمول رهبری آنان تا آخرین قطره خونی که در بدن دارند از کشور دفاع می‌کنند و نمی‌گذارند به‌دست دشمن سقوط کند. او تأکید کرد که به هیچ کسی اجازه‌ی فروپاشی ارتش را نمی‌دهند و از صلح و ثبات در کشور نیز حراست خواهند کرد.

می‌توانند. به‌گفته‌ی او، هر جا که پای کماندوهای افغانستان می‌رسد، دشمن به لرزه در می‌آید. آقای خالد در عین حال گفت که در صورت ضرورت و خواست دولت افغانستان، ممکن است قوای هوایی خارجی نیز نیروهای افغان را کمک کنند. از سوی هم، وزیر دفاع ملی گفت با وجودی که توانایی دفاع، تعرض به دشمن و حفظ افغانستان را دارند، اما استراتژی دولت افغانستان تأمین صلح است. او گفت که دولت برای رسیدن به این هدف تمام تلاش‌هایش را به خرج داده است، اما دشمن [طالبان] با تمام لجاجت

خالد همچنین خطاب به نیروهای تازه فارغ کماندو گفت که «شما در مرحله‌ی فارغ می‌شوید که بار سنگین وظیفه را به دوش می‌گیرید و ما به دفاع مستقلانه از وطن پا گذاشته‌ایم». وزیر دفاع ملی علاوه کرد که پیش از آغاز خروج نیروهای خارجی از افغانستان، بیش از ۹۰ درصد عملیات را نیروهای امنیتی و دفاعی افغان رهبری می‌کردند و پس از این این نیروها به‌صورت مستقلانه از کشورشان دفاع خواهند کرد. به‌گفته‌ی او، نیروهای امنیتی و دفاعی افغان در این اواخر ثابت کرده‌اند که از وجب وجب خاک کشورشان دفاع کرده

اطلاعات روز: اسدالله خالد، وزیر دفاع ملی که پس از مدت طولانی دوباره به وظیفه‌اش برگشته است، می‌گوید که خروج نیروهای خارجی از افغانستان به معنای پایان همکاری دنیا با افغانستان نیست. آقای خالد که دیروز (دوشنبه، ۱۰ جوزا) در مراسم فراغت حدود ۵۰۰ سرباز کماندو در مقر قول اردوی عملیات خاص در کابل صحبت می‌کرد، گفت که جامعه جهانی در راستای آموزش، تمویل مصارف و تعمیر وسایل و وسایط نیروهای امنیتی و دفاعی تا ۲۰۲۴ میلادی با افغانستان تعهد و قرارداد دارد.

مجلس نمایندگان:

ادامه‌ی خشونت و قتل‌های هدفمند پالیسی باخت-باخت است و پیروز ندارد

البیرونی ولایت کاپیسا در انفجار ماین کنارجاده‌ای در ولایت پروان هدف قرار گرفت. روز گذشته یک استاد دارالمعلمین ولایت فراه ترور شد. مسئولیت این دو رویداد را تا کنون فرد یا گروهی بر عهده نگرفته است. طالبان دست‌داشتن در انفجار بر موتر حامل استادان دانشگاه البیرونی را رد کرده‌اند. از سوی هم، آقای جیحون افزود که وضعیت امنیتی در شماری از ولایات از جمله ارزگان، هلمند، قندهار، سرپل، لغمان، نورستان، بغلان، غزنی، جوزجان و بادغیس به وخامت گراییده است. او در عین حال گفت که نیروهای امنیتی و دفاعی کشور به‌عنوان «فرزندان راستین» روزانه به هزینه‌ی خون و جان‌شان از تمامیت ارضی و داشته‌های مادی و معنوی کشور دفاع می‌کنند. جیحون علاوه کرد که حمایت از نیروهای امنیتی و دفاعی وجیبیه‌ی ملی است. او تأکید کرد که مجلس نمایندگان از مبارزات «ملی‌گرایانه»ی این نیروهای استقبال و از آنان حمایت می‌کند.

اطلاعات روز: احمدجاوید جیحون، معاون اول مجلس نمایندگان می‌گوید که ادامه‌ی خشونت و قتل‌های هدفمند و همچنین حمله بر غیرنظامیان در گوشه و کنار کشور، نگران‌کننده است. آقای جیحون که ریاست نشست عمومی دیروز (دوشنبه، ۱۰ جوزا) مجلس نمایندگان را بر عهده داشت، گفت که همه روزه شماری از شهروندان کشور قربانی خشونت‌ها و قتل‌های هدفمند می‌شوند. جیحون تصریح کرد که تشدید خشونت و ادامه‌ی جنگ یک پالیسی باخت-باخت است و هیچ پیروز ندارد. به‌گفته‌ی او، بازنده‌ی اصلی تشدید خشونت‌ها و ادامه‌ی جنگ، مردم عادی افغانستان است. معاون اول مجلس نمایندگان خطاب به مخالفان مسلح [طالبان] گفت که تنها راه‌حل مشکل افغانستان، مشارکت سیاسی و اتحاد است. این درحالی است که اخیرا موجی از خشونت‌ها و قتل‌های هدفمند در بخش‌های مختلف کشور افزایش یافته است. دو روز پیش، موتر حامل استادان دانشگاه

کرزی به حکومت و طالبان:

صلح را از پروژه‌ی خارجی به روند ملی تبدیل کنید

او همچنین افزود که به‌دنبال تأمین صلح در افغانستان در نتیجه‌ی مذاکرات بین‌افغانی، افغانستان می‌تواند با عزم و استقلال با همسایگان خود و جهان گفت‌وگو کند. رییس‌جمهور پیشین درحالی از به نتیجه‌نرسیدن مذاکرات صلح انتقاد می‌کند که از حدود چند ماه به این طرف مذاکرات بین‌افغانی متوقف است. با آنکه هیأت‌های دو طرف در ایام عید باهم دیدار و دو طرف در آن بر ادامه‌ی گفت‌وگوهای صلح تأکید کرده‌بودند، اما تاکنون این مذاکرات از سر گرفته نشده است.

را در داخل خاک افغانستان پیش برند. او از ولایت‌های بامیان، نورستان، پنجشیر، ننگرهار و ارزگان به عنوان ولایاتی یاد کرد که این مذاکرات در آن جاها پیش برده شود. آقای کرزی در بخشی از صحبت‌هایش گفت: «صلح را به یک روند ملی خود بدل کنیم، از خود بسازیم و در خاک خود بسازیم. جای داریم. خدا کند که تحریک اسلامی طالبان و حکومت خود ما بگویند که بیا برویم به بامیان؛ هم هتل خوبیش ما داریم در آن جا و هم هوای مقبول داریم. حاجت به ارکندیشن نداریم او مردم.»

تأکید کرد که افغانستان زمانی به صلح می‌رسد که صلح از یک پروژه‌ی خارجی تبدیل به یک روند ملی شود. او افزود: «تحریک اسلامی طالبان و جمهوریت وظیفه‌ی ملی دارند که این روند (صلح) را از راه ابتکار خود ما از ما بسازند و بنیم که در ظرف یک ماه کامیاب شود؛ حتا زودتر (از آن)». حامد کرزی در بخشی از صحبت‌هایش تأکید کرد که پروژه‌ای‌بودن روند صلح مردم افغانستان را در مقابل هم قرار داده‌اند. از سویی هم، حامد کرزی از حکومت و گروه طالبان خواست که مذاکرات صلح

اطلاعات روز: حامد کرزی، رییس‌جمهور پیشین کشور از حکومت و گروه طالبان می‌خواهد که صلح را از «پروژه‌ی خارجی» خارج و به یک «روند ملی» تبدیل کنند. آقای کرزی که دیروز (دوشنبه، ۱۰ جوزا) در نشستی تحت نام «هم‌اندیشی صلح کابل» صحبت می‌کرد، گفت که اگر صلح از حالت پروژه‌ای خارج و به یک روند ملی تبدیل شود، مذاکرات آن زودتر به نتیجه می‌رسد. به گفته‌ی او، صلح افغانستان به‌دلیل «پروژه‌ی خارجی‌بودن» آن هنوز به نتیجه نرسیده است. رییس‌جمهور پیشین کشور

رویداد ترافیکی در بدخشان هشت کشته و نه زخمی بر جای گذاشت

افزوده است که در میان جان‌باختگان این حادثه سه زن و یک کودک و در میان زخمیان نیز یک کودک شاملند. سخن‌گوی والی بدخشان گفته است که زخمیان این حادثه برای درمان به شفاخانه منتقل شده‌اند. از مجموع نه زخمی، چهار نفر آنان پس از درمان ابتدایی از شفاخانه مرخص شده و باقی پنج نفر دیگر زیر درمان قرار دارند. در مورد علت وقوع این حادثه چیزی گفته نشده است، اما بی‌احتیاطی رانندگان و خرابی جاده‌ها از علت‌های اصلی وقوع حادثات ترافیکی در کشور به‌ویژه در ولایت‌های کوهستانی به‌حساب می‌آید.

اطلاعات روز: منابع محلی در ولایت بدخشان می‌گویند که در نتیجه‌ی یک حادثه ترافیکی در مربوطات ولسوالی ارغنج‌خواه این ولایت، هشت نفر جان باخته و نه نفر دیگر زخمی شده‌اند. نیک‌محمد نظری، سخن‌گوی والی بدخشان گفته است که این حادثه حوالی ساعت ۱۰:۰۰ پیش از ظهر دیروز (دوشنبه، ۱۰ جوزا) در روستای «تقصاب» ولسوالی ارغنج‌خواه رخ داده است. آقای نظری همچنین گفته است که یک عراده موتر نوع صرف از جاده منحرف شده است. این موتر از ولسوالی ارغنج‌خواه به‌سوی شهر فیض‌آباد، مرکز بدخشان در حرکت بوده است.

کرونا:

کشورهای فقیر نباید اقدام به تعطیلی کامل مشاغل می‌کردند

که در مورد افغانستان مشاهده می‌کنیم، کشورهای کم‌درآمد همچنان که نمی‌توانند با تعطیلی مشاغل به موفقیت خاصی در امر مقابله با همه‌گیری دست یابند، در واقع مجبور می‌شوند هزینه‌های سنگین اقتصادی را به‌دلیل تعطیلی مشاغل تحمل کنند.

رویکرد هدف‌مند

پس کشورهای درحال توسعه و فقیر به جای تعطیلی کامل مشاغل چه کاری می‌توانند انجام دهند؟

بسیاری از کارشناسان توسعه دلیل قانع‌کننده‌ای برای استفاده از رویکرد هدف‌مندتر برای بستن مشاغل ارائه می‌دهند.

کارشناسان توصیه می‌کنند که کشورهای فقیر به‌جای تقلید کورکورانه از کشورهای ثروت‌مند و اقدام به تعطیلی کامل مشاغل، باید تدابیر متناسب با شرایط مردم خود را طرح و اجرا کنند.

برای مثال، یک مطالعه از سال ۲۰۲۰ پیشنهاد می‌کند که در هند به جای یک قرنطینه سراسری، استراتژی بهتر می‌تواند این باشد که جوانان بتوانند کار کنند درحالی‌که اعضای مسن خانوارها توسط اعضای خانواده‌ی خود قرنطینه شوند و در صورت ابتلا به کووید ۱۹ مراقبت شوند. این مطالعه می‌گوید که این رویکرد می‌توانست از خسارت اقتصادی ناشی از قرنطینه سرتاسری جلوگیری کند و در عین‌حال از افرادی که بیشترین نیاز را به قرنطینه دارند محافظت کند.

یک رویکرد هدف‌مند دیگر می‌تواند بستن مشاغل و صنایع کارگر باشد و مالیات موقت بر مشاغلی که باز می‌مانند برای جبران خسارت کارگرانی که مشمول قرنطینه می‌شوند وضع شود (هند حالا هم می‌تواند چنین گزینه‌ای را در نظر گیرد).

واضح است که واکسیناسیون گسترده در کشورهای کم‌درآمد می‌تواند نقشی اساسی را در کارزار مقابله با همه‌گیری ایفا کند. اما در واکسیناسیون، تا کنون شاهد اختلافات و نابرابری‌های زیادی بوده‌ایم؛ کشورهای ثروت‌مند هر ثانیه یک نفر را واکسینه می‌کنند، درحالی‌که اکثر کشورهای فقیر تا هنوز یک دوز واکسن دریافت نکرده‌اند. در ۲۰۲۴ به‌صورت جمعی در برابر کووید ۱۹ دست نخواهند یافت. تا زمانی که به این مسأله توجه نشود، تعطیل کردن اقتصاد نتیجه بهتری نخواهد داد.

بازهم مسأله کمبود منابع در میان است؛ به عنوان مثال ظرفیت پولیسی پایین کشورهای کم‌درآمد، اجرای این دست‌قوانین را برای حکومت مربوطه دشوار می‌کند. در تعطیلی کامل مشاغل حکومت‌ها فرض را بر این می‌گیرند که خانوارها قادر به تحمل فشارهای اقتصادی و روانی که با همه‌گیری به سرعت دامن‌گیرشان می‌شود هستند، اما بسیاری از خانوارها در کشورهای درحال توسعه نمی‌توانند این فشارها را تحمل کنند. کارگرانی که از کار باز می‌مانند از مزایای دوره بیکاری، برنامه‌های کمکی حکومتی یا کمک‌های نقدی برای تأمین غذا برخوردار نمی‌شوند.

نظام صحتی و مراقبت‌های بهداشتی ضعیف نیز در این معادله نقش خودش را دارد. خلوت‌شدن خیابان‌ها و کوچه‌ها در نتیجه تعطیلی مشاغل شاید تا حدی بتواند از گسترش ویروس بکاهد. اما دسترسی به خدمات صحتی را دشوار می‌سازد و در نتیجه بیماری‌های آندک به مرگ مبتلایان می‌انجامد. نظام صحتی کشورها باید بتواند به طور فراگیر و مؤثر مردم را درمان کند.

اجرای سیاست تعطیلی مشاغل در این کشورها مؤثر نیست. زیرا این، سیاستی است که در نتیجه توان اجرایی ضعیف حکومت و در مقابل انگیزه قوی کارگران برای نادیده‌گرفتن قوانین وضع‌شده، از درون تضعیف می‌شود و یک نظام صحتی ضعیف آن را از بیرون آسیب می‌رساند. همان‌طور

۱۱ هزار تخت مراقبت‌های ویژه در دسترس است.

اجرای فاصله‌گذاری اجتماعی نیز در بسیاری از کشورهای فقیر امری دشوار بوده است زیرا این کشورها منابع لازم را برای اجرای مؤثر چنین اقدامات ندارند. در این کشورها اکثر مردم برای تأمین نیازهای اساسی خود چه همه‌گیری باشد چه نباشد مجبورند از خانه بیرون روند. برای مثال، در افغانستان ۹۰ درصد مردم از دسترسی همزمان به برق، آب آشامیدنی و بهداشت خوب برخوردار نیستند.

تعطیلی مشاغل

یافته‌های ما در مورد تعطیلی مشاغل جالب توجه است. ما برای مقایسه اثرات تعطیلی مشاغل در کشورهای مختلف که در آن تعطیلی مشاغل یا کامل و یا جزئی اجرایی شده و یا توصیه (برخلاف اجباری‌بودن) شده بود، از مدل اقتصادسنجی استفاده کردیم.

در کشورهای با درآمد بالا و درآمد متوسط، تعطیلی کامل مشاغل با بیشترین کاهش تلفات مرگ و میر ناشی از کووید ۱۹ همراه بوده است (البته ما هزینه‌ها و مزایای اقتصادی این تعطیلی را نسنجیدیم). این یافته با پیش‌بینی‌های محققان در ابتدای همه‌گیری مطابقت دارد. از سوی دیگر، تعطیلی کامل مشاغل در کشورهای کم‌درآمد در مقایسه با گزینه‌های بدیل که ما فرض در نظر گرفتیم در کاهش تلفات کووید ۱۹ مؤثر نبوده است. چرا این‌طور است؟

نتایج اقدامات پیش‌گیرانه از کشوری به کشور دیگر متفاوت است

اقدامات پیش‌گیرانه میزان مرگ و میر ناشی از کووید ۱۹ را به طور چشم‌گیری در سراسر جهان کاهش داده است. این تدابیر سرعت انتقال ویروس را کاهش می‌دهد و به نهادهای صحتی کشورها فرصت می‌دهد تا برای درمان افرادی که علائم جدی دارند آماده باشند و در عین‌حال بتوانند از بیماران غیرکرونایی مراقبت کنند. با این‌حال، مزایای اقدامات پیش‌گیرانه بسته به سطح درآمد از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. برپایه محاسبات ما، عین اقدام پیش‌گیرانه‌ای که در یک کشور فقیر به اجرا درآمده، در یک کشور ثروت‌مند تقریباً دو برابر در کاهش مرگ و میر ناشی از کووید ۱۹ مؤثر بوده است. یک مطالعه دیگر که در مورد تأثیر اقدامات پیش‌گیرانه بر میزان شیوع ویروس انجام شده است، نیز یافته‌های مشابهی دارد.

یکی از دلایل این تفاوت این است که شفاخانه‌های کشورهای فقیر حتا قبل از کووید ۱۹ بیش از حد شلوغ بودند و ظرفیت افزایش ارائه خدمات بهداشتی برای مراجعین بیشتر را نداشتند. برای مثال یک سروی سازمان جهانی بهداشت از ۴۷ کشور آفریقایی در ماه می سال ۲۰۲۰ نشان داد که در این کشورها به طور متوسط برای هر یک میلیون نفر فقط ۹ تخت مراقبت‌های ویژه وجود دارد. درحالی‌که در کشورهای اتحادیه اروپا برای هر ۱ میلیون نفر حدود ۲ هزار تا



مهدی شیوا، کانورژیشن مترجم: جلیل پژواک

در افغانستان حدود ۱۱ میلیون نفر یا ۳۵ درصد نفوس کشور غذای متوسط کافی ندارند. سال‌ها جنگ زندگی مردم را متأثر کرده است و بر اثر خشک‌سالی قیمت مواد غذایی بلند رفته است. اما بیشتر مشکلات اقتصادی مردم افغانستان برخاسته از همه‌گیری کووید ۱۹ و به دنبال آن اقدامات پیش‌گیرانه برای مقابله با این بیماری است. نزدیک به ۴ میلیون نفر در افغانستان در یک قدمی قحطی قرار دارند.

اولین مورد ابتلا به کووید ۱۹ در افغانستان در ماه فیبروری سال ۲۰۲۰ گزارش شد. حکومت در پاسخ اقدامات پیش‌گیرانه را روی دست گرفت، در گذرگاه‌های مرزی مراکز آزمایش کووید ۱۹ ایجاد کرد، افراد آلوده را قرنطینه کرد و گردهمایی‌های کلان را ممنوع اعلام کرد. ماه بعد قرنطینه سراسری اعلام شد؛ محلات کار و مشاغل تعطیل و قرنطینه دو بار دیگر تمدید شد. به عبارت دیگر حکومت افغانستان در مقابله با همه‌گیری کووید ۱۹ از کشورهای ثروت‌مند تقلید کرد. اما نتیجه این کار برای مردم به‌ویژه دردناک بوده است. بسته‌شدن مرزها، هجوم مردم به فروشگاه‌ها و «خرید سراسیمه» و اختلال در کشت و کار کشاورزان همه به کمبود شدید مواد غذایی و افزایش قیمت‌ها کمک کرده است. این عوامل در کنار از دست‌رفتن شغل و کاهش درآمد خانوارها به‌خاطر ضعف اقتصاد کشور به‌دلیل محدودیت‌های کرونایی و اختلال در تجارت، هزاران خانواده افغان را به آغوش فقر سوق داده است. این وضعیت دستاوردهای یک دهه اخیر افغانستان در زمینه توسعه اجتماعی مانند کاهش مرگ و میر نوزادان را تهدید می‌کند.

من اخیراً پژوهشی را در مورد تأثیر این اقدامات پیش‌گیرانه (برای مقابله با همه‌گیری کووید ۱۹) بر کشورهای مختلف جهان انجام دادم. همکارانم و من به دنبال این پرسش بودیم که آیا کشورهای کم‌درآمد با محدود کردن فعالیت‌های اقتصادی خود به تقلید از کشورهای توسعه‌یافته، کار درستی انجام دادند یا خیر. ما نتیجه گرفتیم که این کشورها در آینده بهتر است سیاست‌هایی را در پاسخ به یک همه‌گیری (مانند همه‌گیری کووید ۱۹) اتخاذ کنند که هم به اندازه سیاست‌های کشورهای توسعه‌یافته نجات‌بخش جان انسان‌ها باشد و هم هزینه‌های اقتصادی کم‌تری داشته باشد.

صادق محیبی

از روز زبان پشتو در ۲۹ ماه می، بیشتر در رسانه‌های اجتماعی گرامی‌داشت شد. البته برخی این روز را روز جهانی یا بین‌المللی زبان پشتو نیز گفته‌اند. نامگذاری و مطرح‌شدن این روز به‌نام زبان پشتو کار نیک و مناسبی است. اما بهتر بود درباره‌ی پیشینه‌ی این روز و این‌که چرا و چگونه به این نام مسما شده هم پرداخته و بحث می‌شد.

این‌که زبان پشتو در کجا و چه تعداد گوینده دارد بحث دیگری است. در افغانستان اما یکی از زبان‌های رسمی است و بخش بزرگی از شهروندان کشور به آن صحبت می‌کنند. آشکار است که یادگیری زبان پشتو خالی از فایده نیست. تسلط به این زبان باعث فهم بیشتر از این زبان و گویندگان آن می‌شود. من تسلط نداشتن بر این زبان را یکی از مشکلات و کمبودهای خودم احساس می‌کنم.

این‌که چرا پشتو یاد نمی‌گیریم، سوالی است که نیاز به تأمل دارد. زبان پشتو همانند هر زبان دیگر، برتر و کمتر از دیگری نیست. در مناطق غیر پشتوزبان، این زبان را از مکتب شروع می‌کنیم و در زندگی و کار

چرا زبان پشتو را یاد نگرفتیم؟

تحلیل

۱۳. چرا زبان پشتو با وجودی که زبان حاکمیت، قدرت، سلطه و منابع بوده، نتوانسته زبان قابل قبول یادگیری برای بخش بزرگی از جامعه باشد؟ مجموعه‌ی از سوال‌ها، ملاحظات، باید و نبایدهای که علت یاد نگیری این زبان شده است باید کارشناسانه، بی‌طرفانه و به‌صورت آکادمیک بررسی شود. نیاز است تا به چراهای مطرح‌شده به شکل آموزنده و قابل قبول، پاسخ داده شود.

این یادداشت برای بحث و گفت‌وگو مطرح شده است. تحقیر، توهین، و نادیده گرفتن زبان پشتو منحنی یک زبان و گویندگان آن مطرح نیست. هر کسی حق دارد به زبان خود صحبت کند، تحقیق کند و یا آن را توسعه و رونق دهد. در واقع زبان پشتو مانند سایر زبان‌های کشور بخشی از گنجینه‌ی متنوع افغانستان است. مانند هر زبان دیگر بر رشد و شکوفایی آن کار، سرمایه‌گذاری و فعالیت صورت گیرد. اما فعالیت برای رشد این زبان نباید به معنای حذف، تحت فشار گذاشتن، اهمیت ندادن، و تضعیف دیگر زبان‌ها و گویندگان آن باشد.

با آن ارتباط برقرار کنند، ریشه در این مسائل دارد؟ ۵. آیا زبان پشتو ظرفیت تولید متن‌های ادبی، شعری، داستانی، علمی و فرهنگی را دارد که نیاز به فراگیری آن جدی تلقی شود؟ ۶. آیا سیاسی‌سازی زبان پشتو یکی از دلایل این یاد نگیری است؟ ۷. آیا زبان پشتو جذابیت یادگیری برای دیگران را دارد؟ ۸. آیا یادگیری این زبان به لحاظ دستوری و قواعد زبانی مشکل است؟ ۹. آیا خاطرات بد و تلخ از گوینده یا گروهی از گویندگان زبان پشتو، توانسته یا می‌تواند مزید بر علت بی‌علاقگی در برابر این زبان باشد؟ ۱۰. کی‌ها در حق این زبان جفا کرده‌اند؟ حکام پشتو زبان یا گویندگان زبان‌های دیگر کشور؟ ۱۱. علت اصلی دلسردی غیر پشتو زبان‌ها در برابر این زبان چیست؟

۱۲. آیا سوال عدم یادگیری و شوق دیگران برای یادگیری این زبان به خود پشتون‌ها و حکام پشتون برمی‌گردد یا دیگران؟

اجتماعی با آن روبه‌رویم، ولی هنوز هم نمی‌خواهیم و یا نمی‌توانیم که آن را یاد بگیریم. بی‌علاقگی و بی‌توجهی به آن ممکن دلیل‌های زیادی داشته باشد که نیازمند مطالعه و بررسی است.

نمی‌دانم که به این سوال‌های پایین، کی یا کی‌ها پاسخ‌گو می‌باشند؟ پشتو زبان‌ها (مدعیان زبان پشتو) یا همه‌ی جامعه. برخی از این سوال‌ها در زیر چنین یادداشت شده و ممکن با هم مرتبط و یا تکراری باشند.

۱. ضرورت یادگیری پشتو برای شهروندان غیر پشتو زبان چقدر احساس می‌شود؟ ۲. آیا یادگیری زبان پشتو به درد کار، زندگی روزمره و اجتماعی می‌خورد؟ ۳. آیا دیکته‌شدن زبان پشتو توسط حکام و افراتیون پشتون، باعث کم‌علاقگی به آموختن این زبان شده است؟

۴. آیا زبان پشتو با ستم‌هایی که توسط حکام گوینده این زبان به بخش بزرگی از جامعه روا داشته مرتبط است؟ آیا این‌که غیر پشتو زبان‌ها نسبت به آن احساس بدبینی دارند، دلسرد شده‌اند و یا نمی‌توانند



خادم حسين کريمی

دو هفته پیش، حمدالله محب، مشاور شورای امنیت ملی در همایشی در ولایت ننگرهار گفت پاکستان با حمایت از طالبان به دنبال گسترش مرزهایش به داخل خاک افغانستان است. اسلام‌آباد در واکنش به این سخنان مشاور امنیت ملی افغانستان ضمن ارائه‌ی «اعتراض شدید»ش به افغانستان، اعلام کرد که همه‌ی تماس‌ها، روابط و همکاری‌هایش با مشاوریت شورای امنیت ملی افغانستان را قطع می‌کند. بعدتر، آقای محب در واکنشی عجیب به این اعتراض شدید اسلام‌آباد گفت قطع رابطه‌ی پاکستان با افغانستان، چندان تأثیری ندارد.

۴۲ سال قبل از سال ۱۳۵۸ که پاکستان دخالت‌های سیاسی، نظامی و امنیتی‌اش در امور داخلی افغانستان را آغاز کرد، تا کنون دست‌کم دو بار موفق شده دولت‌های مستقر در کابل را به فروپاشی بکشاند. نخستین بار، پس از یک کارزار استخباراتی، سیاسی و نظامی فشرده‌ی ۱۳ ساله، اسلام‌آباد موفق شد دولت مستقر در کابل را که در آن زمان یکی از قدرت‌های نظامی قابل محاسبه در منطقه محسوب می‌شد، به فروپاشی کامل بکشاند. با این فروپاشی، افغانستان با از دست‌دادن حجم عظیمی از ظرفیت‌ها، زیربنای، نظم و سیستم حکومت‌داری‌اش وارد برهوتی از بی‌خانمانی، خونریزی، هرج‌ومرج و بی‌ثباتی شد. در فرجام این کارزار نظامی-استخباراتی اسلام‌آباد در افغانستان که به فروپاشی مطلق نهاد دولت در کابل منجر شد، ده‌ها هزار افغان کشته و مجروح شدند، صدها هزار افغان به صلیب آوارگی و بی‌خانمی کشیده شدند و افغانستان تقریباً تمام داشته‌های نهادی‌اش را از دست داد.

در حوالی تابستان ۱۳۷۱ که چند صبحی از شکل‌گیری حکومت ائتلافی مجاهدین گذشته بود، اسلام‌آباد ناراضی از نحوه‌ی چینش سیاسی در دولت جدید، مجدداً کارزار ساقط‌کردن نظم جدید و متزلزل را به راه انداخت. پس از نزدیک به سه سال جنگ‌های داخلی خونبار و رقت‌انگیز، ظهور گروه طالبان در قندهار با حمایت‌های مالی، سیاسی، استخباراتی و نظامی مستقیم و

بی‌پروای پاکستان، سرانجام به ساقط‌شدن دولت اسلامی در کابل منجر شد. افغانستان به عریان‌ترین شکل ممکن به بدویت و ظلمت عصر حجر سقوط کرد و حاکمیت سیاه امارت اسلامی با حمایت بی‌دریغ و همه‌جانبه‌ی اسلام‌آباد، بنیادگرایانه‌ترین تفسیر ممکن از نظم اجتماعی و سیاسی را بر افغانستان تحمیل کرد.

در حوالی ۲۰۰۵، چهار سال پس از سقوط امارت اسلامی و حمله‌ی ائتلاف بین‌المللی ضدتروریسم تحت رهبری ایالات متحده به افغانستان، اسلام‌آباد کارزار ویرانگرش برای بسیج یک شورش خونبار دیگر در برابر حکومت مستقر در کابل را مخفیانه و نامرئی از سر گرفت. اسلام‌آباد سعی کرد گروه طالبان را که تقریباً به صورت کامل متلاشی شده بود، تجدید قوا کرده و مجدداً به میدان‌های شورش و جنگ گسیل کند. این کارزار ویرانگر و بسیار ماهرانه‌ی پاکستان، یک‌ونیم دهه بعد با واردکردن ضربات کوبنده بر دموکراسی نوپای افغانستان، به جایی رسید که ائتلافی متشکل از زبده‌ترین ارتش‌های جهان به اضافه‌ی بیش از سه‌صدهزار نیروی امنیتی ملی افغانستان به آشکارا اعتراف کند که این گروه قابل حذف نیست و به‌عنوان یک واقعیت اجتناب‌ناپذیر سیاسی، اجتماعی و نظامی، راهی جز سازش سیاسی و تقسیم قدرت با آن وجود ندارد. واقعیت این است که قدرت تخریب، ویرانگری و کوبندگی پاکستان به واسطه‌ی نیروهای نیابتی‌اش در افغانستان از این نیز عظیم‌تر است. با توجه به قراین و شواهد جاری در میداین جنگ و میز مذاکرات صلح، به‌نظر می‌رسد طالبان دست‌کم تا کنون نشان داده که جز به تسلط بر کشور به تقسیم قدرت برابر راضی نیست. اگر این گروه یک سازش سیاسی دوجانبه و معقولانه به شکل تقسیم برابر منابع قدرت را بپذیرند، برای بخش بزرگی از قشر سیاسی افغانستان جای شادمانی دارد.

ناگفته پیداست سخن‌گفتن از میزان تأثیر، نفوذ و اهمیت پاکستان بر گذشته، حال و آینده‌ی افغانستان، به مفهوم نادیده‌انگاری تبعات ویرانگر و دهشت‌افکنانه‌ی دخالت‌های مخرب اسلام‌آباد در امور کشور ما نیست.

بنیادگرایی دیپلماتیک

پاکستان در طول بیش از چهار دهه‌ی گذشته، بزرگ‌ترین عامل فروپاشی دولت‌ها، به‌هم‌زدن نظم و امنیت، تبدیل‌شدن افغانستان به یکی از خونبارترین میداین جنگ و کشتار جهان و حرام‌شدن آرامش، امنیت و زندگی افغان‌ها بوده است. افغان‌ها در چهار دهه‌ی گذشته مشقت‌ها و دشواری‌های نفس‌گیر و به غایت رقت‌انگیز متحمل شده‌اند. ما نظم و نسق نهادی و ناشی از حاکمیت و استقرار دولت را که برای زیست مسالمت‌آمیز در کنار و به‌صورت مداوم از دست داده‌ایم. میلیون‌ها افغان به‌دلیل جنگ‌های نیابتی بی‌وقفه‌ی پاکستان کشته، زخمی یا آواره شده‌اند. نهاد دولت و نظم دولتی در افغانستان فروپاشیده و پس از چهار دهه، هنوز موفق نشدیم حداقل این نظم، دسیپلین و امنیت را باز یابیم. تأسیسات و زیربنای کشور به‌صورت

بی‌وقفه به کام جنگ‌ها و دخالت‌های اسلام‌آباد سوخته و نابود شده‌اند. هیچ روزنی برای تیرنه‌ی پاکستان از ویرانی عظیمی که در ۴ دهه‌ی گذشته بر ما تحمیل کرده، وجود ندارد. با این حال، افغانستان به‌خصوص در فرصت کنونی که برای برقراری صلح و پایان‌دادن به چرخه‌ی تکراری سقوط دولت‌ها فراهم شده، هیچ گزینه‌ای جز گفت‌وگو و مذاکره با پاکستان و توافق بر سر چگونگی زیست مسالمت‌آمیز در کنار و همسایگی همدیگر ندارد. افغانستان هیچ چاره‌ای ندارد جز این‌که در خصوص نوع رابطه‌ی دولت‌های آینده‌ی دو کشور، مسائل مورد اختلاف، نگرانی‌ها و منافع دوجانبه و فهرست طولی از مسائل مختلف با پاکستان رایزنی، گفت‌وگو و در نهایت توافق کند.

پاکستان به کرات ثابت کرده که نیت‌ها و اهداف شوم، مخرب و ویرانگری در خصوص افغانستان دارد. اما باز هم شیطانی‌بودن نوع نگاه و رویکرد و دخالت‌های اسلام‌آباد در امور افغانستان، چیزی از تعیین‌کنندگی و اجتناب‌ناپذیر بودن گفت‌وگو و در نهایت توافق با این کشور نمی‌کاهد.

ضرورت گفت‌وگو و دستیابی به توافق بر سر مسائل اساسی با پاکستان به‌منظور دستیابی به صلح و آرامش و پایان‌دادن به چرخه‌ی خشونت و داستان تکراری برافراشتن و به

عباس عارفی

در هفته‌های اخیر خبرهای نشر شد که نیروهای امریکایی پس از خروج از خاک افغانستان در مناطق مرزی پاکستان و اوزبیکستان پایگاه نظامی می‌سازند تا در صورت شدت‌گرفتن حملات طالبان بر کلان‌شهرهای افغانستان، نیروهای امریکایی بتوانند با راه‌اندازی حملات هوایی از نیروهای امنیتی افغانستان پشتیبانی کنند. این خبر با واکنش تند گروه طالبان مواجه شده و در اعلامیه‌ی هشدارآمیز به کشورهای همسایه افغانستان توصیه کرده‌اند که چنین کاری را نکنند.

گروه طالبان در این اعلامیه از کشورهای همسایه افغانستان خواسته‌اند که به کسی اجازه و فرصت ساختن پایگاه نظامی در کشورشان را ندهند. چرا که در صورت ساختن پایگاه نظامی در خاک کشورهای همسایه، «این اشتباه و بدنامی بزرگ تاریخی خواهد بود». گروه طالبان هشدار داده که «در برابر این گونه اعمال نادرست و تحریک‌کننده خاموش نمی‌نشیند، بلکه مسئولیت ایمانی و تاریخی خود را به گونه‌ای که همواره در طول تاریخ ادا نموده، ادا می‌کند.»

این گروه در اعلامیه‌شان توضیح داده‌اند که به دیگران مکرراً اطمینان داده‌اند تا از خاک افغانستان بر ضد امنیت کسی استفاده نشود، بنابراین از دیگر کشورهای همسایه می‌خواهند که خاک و حریم هوایی خود را برخلاف کشور افغانستان استعمال نکنند: «اگر چنین گامی برداشته شود، مسئولیت هرگونه عواقب و مشکلات آن به دوش کسی می‌باشد که مرتکب چنین اشتباه می‌شود.» طالبان در حالی امریکا را از ساختن پایگاه در کشور دیگری برحذر می‌دارند که خود این گروه متهم‌اند که در نزدیک به دو دهه‌ی گذشته با استفاده از خاک و حمایت برخی از کشورهای همسایه و با میزبانی این کشورها از رهبران و جنگ‌جویان طالبان،

آموزش، تجهیزات، درمان زخمی‌ها و امکان فعالیت‌های اقتصادی در بازار سیاه را داده بودند، اهداف منطقه‌ای برخی از کشورها را در جنگ نیابتی پیش برده و برعلاوه نزدیک به ۲۵ گروه تروریستی که در افغانستان فعالیت دارند، زیر چتر حمایتی گروه طالبان در خاک افغانستان رشد کرده که اهداف تروریستی آن‌ها مرتبط در مواقعی با مسائل داخلی کشورهای همسایه از جمله پاکستان، اوزبیکستان، چین، تاجیکستان و ایران مرتبط می‌شوند. حالا با توجه به این وضعیت و پیچیدگی جنگ افغانستان در رابطه به نسبت گروه طالبان با کشورهای همسایه و مسائل پیچیده منطقه‌ای، هشدار اخیر این گروه تف‌سر بالا نیست؟

مشت در هوا کوبیدن

تابش فروغ، نویسنده و تحلیلگر مسائل سیاسی در گفت‌وگو با اطلاعات روز در رابطه به نسبت گروه طالبان با پاکستان می‌گوید گروه طالبان به‌عنوان یک گروه وابسته به

مشت در هوا کوبیدن‌های طالبان

هشدار طالبان به حضور نظامی امریکا در آن‌سوی مرزهای افغانستان چقدر جدی است؟



است: «رهبران این گروه همین اکنون با گذرنامه‌های پاکستانی سفر می‌کنند. در پاکستان خانه و سرمایه دارند و از همه مهم‌تر عقبه‌های حمایتی این گروه در کراچی و کوئته و پشاور فعال‌اند. مخالفت رسانه‌ای آن‌ها با تصامیم پاکستان بیشتر مصرف داخلی دارد و فقط به درد جنگ تبلیغاتی می‌خورد.»

آقای فروغ می‌گوید وزارت دفاع امریکا همین اکنون در حال رایزنی برای پیدا کردن گزینه‌های بدیل برای تداوم حضور امنیتی و اطلاعاتی نظامیان و پیمان‌کاران اطلاعاتی

ژئوپولیتیک و ژئواکونومیک دارد. از این رو پاکستانی‌ها هرچند اهمیت یک نیروی نیابتی مثل طالبان را در افغانستان می‌دانند، اما حاضر نیستند خطوط منافع کلان‌شان با امریکا را براساس خواست و رای طالبان تعیین کنند.»

آقای فروغ معتقد است که از جانب دیگر گروه طالبان ابزار فشار و تهدید برای تحمیل خواست و نظرشان را بر پاکستان ندارند. نزدیک به سه دهه پس از تشکیل گروه طالبان، این گروه هم در عرصه نظامی و هم در عرصه سیاسی مدیون پاکستان

حمایت نظامی و اطلاعاتی پاکستان به دلایل بسیاری ظرفیت اثرگذاری بر چگونگی تصامیم استراتژیک ارتش پاکستان را ندارند. موضع تازه طالبان حکم مشت زدن به هوا را دارد. آقای فروغ می‌گوید جنرال‌های پاکستانی از آغاز گفت‌وگوهای رسمی طالبان و امریکا به این‌سو پیوسته با هم‌تایان امریکایی‌شان بر سر چگونگی آینده مناسبات امریکا و پاکستان گفت‌وگو کرده‌اند: «حلقه استراتژیست‌های ارتش پاکستان می‌دانند که هم‌پیمانی با امریکا برای اسلام‌آباد به‌ویژه در بحث مناسبات چین و پاکستان یک امتیاز

آقای فروغ می‌گوید
وزارت دفاع امریکا همین
اکنون در حال رایزنی
برای پیدا کردن گزینه‌های
بدیل برای تداوم حضور
امنیتی و اطلاعاتی نظامیان
و پیمان‌کاران اطلاعاتی
ارتش و سازمان سیا در
افغانستان است. بنابراین
زود است به‌رغم اعلام و
آغاز خروج نظامی امریکا از
افغانستان، حضور نظامی
امریکا را پایان‌یافته
بدانیم.

کودکی ۶ ساله که در اردوگاهی در سوریه به زنجیر کشیده می‌شد و گرسنگی می‌کشید، سرانجام مُرد



پدر نهله او را در تختش محبوس می‌کرد که با استفاده از یک در نرده‌ای فلزی آن را به قفس تبدیل کرده بود. مردم گاهی از روی دلسوزی به او غذا می‌دادند. ساکنین اردوگاه وضعیت نهله را می‌دانستند، اما کسی به مقامات محلی گزارش نمی‌داد.

منبع: نیویورک تایمز، هویدا سعادت
مترجم: شریفه عرفانی

این عکس از دختری چند ماه پیش از مرگش است. موهای قهوه‌ای روشن، صورت و لباس‌هایی لکه‌دار و پر خاک. او زنجیری را در دستان کودکی خود گرفته است و گویی زندگی کوتاه مدت خود را می‌نگرد.

نهله العثمان در یک کمپ آوارگان سوری زیر چادر زندگی می‌کرد، و پدرش اغلب او را به زنجیر می‌کشید تا این سو و آن سو برسه نزد او سرانجام به علت سریع غذا خوردن از شدت گرسنگی خفه شد و زندگی غم‌بارش با مرگی غم‌بارتر خاتمه یافت.

این کودک شش ساله، سه سال اخیر زندگی کوتاهش را در کنار پدر و خواهر و برادرش

در یک چادر شلوغ زندگی کرده؛ در اردوگاهی بی‌امکانات برای سوری‌های آواره از یک دهه جنگ که گویی از سوی جهان به فراموشی سپرده شده‌اند. پدرش اغلب برای این که نهله این سو و آن سو برسه نزد، دخترک را با زنجیر می‌بست و گاهی هم او را در تختش که به شکل قفس درآمده بود، زندانی می‌کرد.

هشام علی عمر، ناظر اردوگاه گفت که از پدرش خواسته بودند این کار را نکنند. اما او توجهی نکرده بود.

سرانجام زندگی پر از رنج نهله، مرگی غم‌انگیز بود. تصاویر او در زنجیر و قفس در شبکه‌های اجتماعی پخش شد و خشم ناشی از آن، مقامات محلی را واداشت پدرش را دستگیر کنند.

این مرگ غم‌بار اندک توجهی را به رنج میلیون‌ها کودک جلب کرد که در طول جنگ از خانه‌ی خود آواره شده و در اردوگاه‌هایی در شمال سوریه زندگی می‌کنند. این کودکان آواره‌ی خوشونت‌ها گرسنه و مأیوس، فاقد دسترسی به آموزش، مراقبت‌های صحتی و بهداشتی، هر روز برای زنده ماندن تقلا می‌کنند. به گفته احمد بایرام، سخن‌گوی گروه امداد «کودکان را نجات دهید»، صحبت از کودکانی در میان است که در چادر به دنیا می‌آیند و با اولین باران زندگی‌شان با مخاطره روبه‌رو می‌شود و نمی‌دانند جای خواب خشکی خواهند داشت یا نه. «این کودکان زندگی عادی را از یاد برده‌اند.»

نهله به همراه خانواده در اردوگاه فارح الله در قلمروی شورشیان شمال غربی سوریه زندگی می‌کرد. بیش از نیمی از ۴ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر از مردم این کشور، به آنجا گریخته و در پناهگاه‌های موقت زندگی می‌کنند. آن‌ها هیچ حفاظی برابر سرما و گرما و بیماری ندارند و هر لحظه با این ترس که مورد حملات دولت سوریه و متحدان روس‌شان قرار بگیرند، زندگی را می‌گذرانند.

گروه‌های مددکار می‌گویند که شرایط در اردوگاه‌ها به‌ویژه برای کودکان با وخامت روزافزونی مواجه است. بسیاری برای تأمین مایحتاج خانواده کار می‌کنند و از سوء تغذیه رنج می‌برند. به گزارش «کودکان را نجات دهید»، خودکشی در میان کودکان و نوجوانان در شمال غربی سوریه در حال افزایش است؛ کودکانی یازده ساله یا کوچک‌تر نیز در میان به چشم می‌خورد.

در اردوگاه فارح الله در حدود ۳۵۰ خانواده در ولایت ادلب، در نزدیکی مرز با ترکیه زندگی می‌کنند. سرپرست اردوگاه گفت که چند ماهی می‌شود که در محل برپایی چادرها زباله جمع شده و آب کافی برای نوشیدن، آشپزی و استحمام در اختیار مردم نیست. به گفته عموی نهله، این خانواده سه سال پیش هنگامی که منطقه به تصرف نیروهای دولتی درآمد، از خانه خود در بخش دیگر ادلب رانده شدند. پدر و مادر از هم جدا شدند، و مادرش برای پناهندگی به ترکیه رفت.

پدر خانواده، ایسام العثمان، سرپرستی بچه‌ها را به عهده داشت و برای تأمین هزینه‌ها تلاش می‌کرد. خواهر بزرگ‌تر نهله می‌گوید که چون او بیماری عفونت پوستی داشت، کودکان مسخره‌اش می‌کردند. آن‌ها گاهی آب رویش می‌ریختند، زیرا فهمیده بودند که این کار باعث ترس او می‌شود. خانم العثمان، ۲۲ ساله گفت: «آن‌ها خواهرم را مادر میکروب صدا می‌کردند. پدرم نمی‌توانست این همه فشار را تحمل کند.»

و آگاهی دیپلماتیک ندارد، اگر پرسیده شود که آیا قطع رابطه‌ی افغانستان با پاکستان تأثیر چندانی بر امور کشور ندارند، پاسخی جز پوزخند نخواهند داد.

چنین اظهار نظری از سوی مشاور شورای امنیت ملی کشور، فاجعه‌ای در رهبری و زعامت سیاسی و امنیتی کشور و یک بنیادگرایی دیپلماتیک است. قطع کانال‌ها و روابط دیپلماتیک با پاکستان، برای افغانستان فاجعه‌بار است. چنین اظهار نظرهایی، حتا برای پوپولیستی‌ترین شکل قهرمان‌تراشی عوام‌گرایانه نیز مفید نیست. افغانستان برای دستیابی به ثبات، صلح و قطع جنگ، باید سطح و دامنه‌ی روابط و گفت‌وگوهای دیپلماتیک‌اش با پاکستان را به بالاترین سطح ارتقا دهد. مذاکره با کشوری به بدطینی پاکستان البته که بسیار دشوار و پرتنش خواهد بود اما اگر کسی، این دشواری را به مفهوم بی‌نیازی از روابط دیپلماتیک با این کشور تفسیر کند، مشخص است که فهم‌اش از امور دیپلماسی، بنیادگراییانه‌تر از فهم طالبان در مورد حکومت‌داری است.

این نخستین بار نیست که آقای محب چنین بی‌پروا اصول و نزاکت‌های دیپلماتیک را بر هم می‌زند. باری او در جریان مذاکرات صلح ایالات متحده با طالبان مدعی شد که زلمی خلیل‌زاد در پی دستیابی به قدرت در افغانستان است. این موضع ناشیانه‌ی آقای محب باعث شد برای مدتی طولانی از طرف مهم‌ترین شریک و حامی استراتژیک افغانستان در سطوح مختلف منزوی و بایکوت شود. عرصه‌ی پرظرافت و حساس دیپلماسی که نیازمند صبوری، پختگی، دانش و اعتماد به نفس کافی مسئولان آن است، نباید با رقابت‌های پوپولیستی و عوام‌گرایانه‌ی جناح‌ها و چهره‌های سیاسی در داخل کشور اشتباه گرفته شود. افغانستان باید دیپلماسی هرچند دشوار با دشمن سرسخت، ویرانگر و بدطینت‌اش را حفظ و ادامه دهد تا از تنها چاره برای قطع جنگ، برقراری صلح و پایان یافتن چرخه‌ی ویرانگر جنگ‌های نیابتی پاکستان در امور افغانستان به خوبی استفاده شود.

گزارش

پاکستان نیست، بلکه نیاز به مذاکره در سطح بلندتر است. چنان‌که در آسیای میانه پای روسیه در میان است.»

فردوس کاووش، مترجم و روزنامه‌نگار در گفت‌وگو با اطلاعات روز بر این باور است که قدرت‌های منطقه‌ای و کشورهای همسایه‌ی افغانستان با حضور نظامی ایالات متحده آمریکا در قلمرو افغانستان مخالف بودند و هستند. چرا که برخی از این کشورها حضور نظامی آمریکا در منطقه را به مثابه تروریسم برای خودشان تعریف کرده بودند: «پیش از این‌که طالبان اعلامیه بدهند، برخی از کشورهای همسایه افغانستان اعلام کرده بودند که حاضر نیستند از پایگاه نظامی ایالات متحده در قلمروشان میزبانی کنند. بنابراین موضع کشورهای همسایه افغانستان قبل از اعلامیه طالبان روشن بود.»

آقای کاووش معتقد است که هشدار و تهدید طالبان بر تصمیم کشورهای همسایه نقشی ندارد. بلکه این کشورها از همان آغاز نمی‌خواستند میزبان پایگاه نظامی ایالات متحده باشند. اما حمایت لوچیسستیک‌ی از نیروهای امنیتی افغانستان پس از خروج نیروهای خارجی ایجاب همکاری برخی از کشورهای همسایه را می‌کند: «به نظر می‌رسد ناتو و ایالات متحده مصروف مذاکره با برخی از این کشورها هستند تا زمینه‌ی حمایت لوچیسستیک‌ی از نیروهای امنیتی افغانستان را فراهم کنند که این موضوع نیاز به ایجاد پایگاه نظامی در کشورهای همسایه را ندارد.»

آقای کاووش درباره‌ی رابطه طالبان با پاکستان می‌گوید ارتش و سازمان استخبارات پاکستان در این جنگ بیست ساله در افغانستان متحد طالبان بودند: «با آن‌که از قلمرو پاکستان هم ناتو استفاده کرده و هم طالبان، ولی ارتش پاکستان بیشتر زمینه‌ی این را فراهم کرد که قلمرو این کشور عقبه‌ی استراتژیک طالبان باشد و بیشتر با طالبان متحد بماند.»

زیرآمدن دولت‌ها در کابل، هرگز به این معنا نیست که گفت‌وگو با پاکستان سهل است یا این گفت‌وگو و توافق باید از مسیر تسلیم‌شدن و امتیازدهی مطلق بگذرد.

پاکستان به کرات ثابت کرده که نیت‌ها و اهداف شوم، مخرب و ویرانگری در خصوص افغانستان دارد. اما باز هم شیطانی‌بودن نوع نگاه و رویکرد و دخالت‌های اسلام‌آباد در امور افغانستان، چیزی از تعیین‌کنندگی و اجتناب‌ناپذیر بودن گفت‌وگو و در نهایت توافق با این کشور نمی‌کاهد.

هر جنگی در طول تاریخ، در موازات با خود، کانال‌های دیپلماتیک، رایزنی و توافق را به همراه داشته است. در هیچ جنگی به هر حال کانال‌های دیپلماتیک میان طرف‌های جنگ به کل قطع یا مسدود نمی‌شود. منتهای نبردهایی که یکی از طرف‌ها با قطعیت پیروز شده، اکثریت مطلق جنگ‌ها در کل تاریخ زیست انسان، سرانجام با کارزارها و تعاملات دیپلماتیک پایان یافته‌اند. همان‌طور که تجربه‌ی دو دهه‌ی گذشته ثابت کرده و اکثریت مطلق طرف‌های جنگ افغانستان به آشکارا به این نتیجه رسیده‌اند که جنگ افغانستان بازنده و برنده‌ی قاطع ندارد، در بحران کنونی افغانستان کسی نمی‌تواند قاطعانه پیروز یا مغلوب شود. در چنین وضعیتی است که مناسبات، رایزنی‌ها و توافقات دیپلماتیک می‌تواند پایان جنگ و آغاز دوره‌ی ثبات و آرامش را کلید بزند.

واکنش حمدالله محب به اعلام قطع رابطه‌ی پاکستان با او و دفتر تحت رهبری‌اش، چیزی بیشتر از یک فکاهی است. آقای محب بدون این‌که پروایی از فحوا و واکنش‌اش داشته باشد، گفت قطع رابطه‌ی پاکستان با افغانستان چندان تأثیری هم ندارد. فارغ از این‌که آقای محب به خطا، تبعات فردی ناشی از اظهارات تندش در برابر پاکستان را به کلیت رابطه‌ی دو کشور تعمیم داد، این واکنش از یک فکاهی مهیج خنده‌دارتر و از یک فاجعه‌ی دیپلماتیک در دولت افغانستان، وسیع‌تر است. حتا از عوام‌ترین اقشار کشور که روزانه تمام دغدغه‌شان کار در خیابان‌ها و سیر کردن شکم عیال‌شان هستند و کوچک‌ترین دانش

ارتش و سازمان سیا در افغانستان است. بنابراین زود است به‌رغم اعلام و آغاز خروج نظامی آمریکا از افغانستان. حضور نظامی آمریکا را پایان یافته بدانیم: «تحوالات ماه‌های پیش‌رو و از همه مهم‌تر موفقیت یا شکست پروسه صلح نشان خواهد داد که ایالات متحده واقعا چه زمانی طرح بدیل برای حضور در همسایگی افغانستان را اجرا خواهد کرد.»

ابوالفضل فصیحی، استاد دانشگاه و کارشناس روابط بین‌الملل در گفت‌وگو با اطلاعات روز می‌گوید تغییر کلان در استراتژی آمریکا آمده که از حضور مستقیم به سمت موازنه از راه دور پیش می‌روند. قبلا حضور آمریکایی‌ها در افغانستان مستقیم بود و در این‌جا پایگاه و نیروی نظامی داشت، ولی فعلا به سمت استراتژی تازه‌ای به پیش می‌روند تا نیروهای‌شان را از افغانستان خارج کنند و موازنه را از راه دور در کابل ایجاد کنند: «برای مبارزه با تروریسم و اهداف منطقه‌ای از ظرفیت‌های خود کشورهای منطقه استفاده می‌کنند.»

آقای فصیحی می‌گوید گزارش‌های زیادی است که نشان می‌دهد طالبان ارتباط خود را با گروه‌های تروریستی دیگر قطع نکرده‌اند. بنابراین ترس آمریکایی‌ها از طالبان نیست، بلکه ترس واقعی این است که افغانستان دوباره جایی برای گروه‌های تروریستی مثل القاعده و داعش نشود که منافع امنیتی آمریکا را به خطر مواجه می‌کند: «خروج نیروهای خارجی از افغانستان خلای قدرت ایجاد می‌کند و ممکن است منجر به فروپاشی سیاسی شود که در نهایت گروه‌های تروریستی در این‌جا پایگاه درست کنند. بنابراین آمریکایی‌ها در تلاش موازنه از راه دور هستند که یکی از گزینه‌ها پاکستان است.» آقای فصیحی معتقد است که در رابطه با پاکستان باز هم چالش وجود دارد. مثلا یکی از چالش‌ها حضور چین در منطقه است: «چین یکی از متحدان پاکستان است که در این‌صورت تنها مسأله میان آمریکا و

پدر نهله گفت: «ما در چادر زندگی می‌کنیم، بدون در، بدون قفل... و دخترم مدام در اطراف سرگردان می‌گشت، تنها راه، بستن او بود.»

در مواقعی دیگر، پدر نهله او را در تختش محبوس می‌کرد که با استفاده از یک در نرده‌ای فلزی آن را به قفس تبدیل کرده بود. مردم گاهی از روی دلسوزی به او غذا می‌دادند. ساکنین اردوگاه وضعیت نهله را می‌دانستند، اما کسی به مقامات محلی گزارش نمی‌داد. زیرا فکر می‌کردند این مسأله باید در میان خودشان، که همه اهالی یک روستا هستند، بماند. با وجود این، نشانه‌هایی از بدرفتاری در نهله پیش از مرگ دیده شده بود.

احمد راحل، فعال مستندساز از جنگ در مناطق تحت کنترل شورشیان، چند ماه پیش به اردوگاه فارح الله رفت و از دختر کوچک فیلم گرفت و آن را در اختیار نیویورک تایمز گذاشت. راحل گفت که او را آورده بود گفت او دختری باهوش است اما مورد غفلت قرار گرفته.

در این ویدیو، آقای راحل از او نامش را پرسیده بود و این‌که به دنبال چه می‌گردد؛ نهله دست زخمی‌اش را که لقمه نانی در آن بود دراز کرده و گفته بود که پدرش او را زده است.

آقای راحل گفت که او سوءاستفاده احتمالی را به مقامات محلی گزارش داد، اما اقدامی صورت نگرفت.

در تاریخ چهارم ماه می، ساکنان اردوگاه متوجه شدند که نهله خفه شده و او را به شفاخانه‌ای در روستای کیلی در حوالی آن منتقل کردند. محمود المصطفی، متخصص اطفال این مرکز گفت که خواهری که او را آورده بود گفت او بسیار گرسنه بود و به سرعت غذا می‌خورد که خفه شد.

گزارش پزشکی علت مرگ را تأیید کرد و گفت که او دچار خفگی شده و از سوءتغذیه رنج می‌برده است.

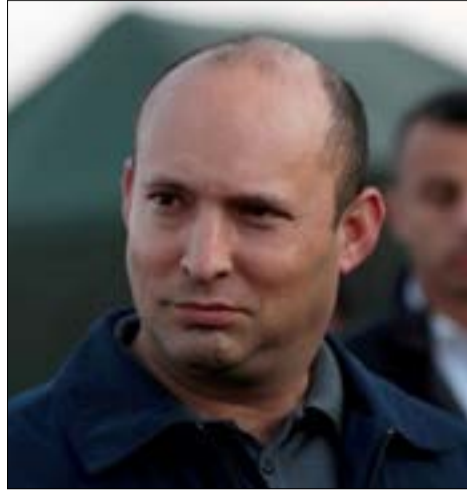
دکتر المصطفی گفت شفاخانه وی فاقد وسایل لازم برای معالجه وی است: «اگر شفاخانه مجهزتر بود، می‌توانستیم نهله را نجات دهیم. اگر ما یک سیستم تهویه هوا یا بخش اطفال داشتیم، می‌توانستیم کاری انجام دهیم.»

مقامات محلی پدر نهله را به ظن بی‌توجهی به مدت چند هفته بازداشت کردند، اما وی هفته گذشته بدون هیچ گونه اتهامی آزاد شد. برخی از اقوام و اهالی اردوگاه اصرار داشتند که وی در شرایط غیرممکن آنچه در توان داشت برای خانواده‌اش انجام داده است. پدر پس از آزادی از بازداشت گفت که او هیچ جرمی مرتکب نشده است.

وی گفت: «نمی‌توانم باور کنم که مرا متهم کرده‌اند که پدری خشن بوده‌ام. نهله یک فرشته معصوم بود. من هرگز به دخترم آسیب نرساندم.» او تصدیق کرده بود که گاهی نهله را با زنجیر می‌بست. وی گفت: «بله، گاهی اوقات به او زنجیر می‌زدم، مجبور شدم.» وی افزود که او بدون لباس بیرون می‌رفت و در اردوگاه پرده می‌زد و همسایه‌ها از او شکایت کرده بودند.

وی افزود: «او صبح و شب از چادر بیرون می‌رفت. زندگی در این‌جا، مثل زندگی در یک جنگل است. من سعی کردم برای دریافت کمک‌های صحتی به بسیاری از سازمان‌های کمک‌رسان مراجعه کنم، اما هیچ درمانی برای او پیدا نکردم.»

با اعلام پیوستن نفتالی بنت، ائتلاف مخالفان نتانياهو برای تشکیل دولت کامل شد



اطلاعات روز: با اعلام نفتالی بنت برای پیوستن به ائتلاف موسوم به «دولت متحد» در اسرائیل، ائتلاف احزاب مخالف برای پایان دادن به نخست وزیری ۱۲ ساله بنیامین نتانياهو تکمیل شد.

به نقل از ایران اینترنشنال، نفتالی بنت، رهبر حزب دست راستی یمینا، تصمیم خود را برای پیوستن به ائتلاف موسوم به «دولت متحد» روز یکشنبه، نهم جوزا، اعلام کرد و با این تصمیم به یائیر لاپید، رهبر مخالفان نتانياهو امکان داده است که احزاب راست گرا، چپ گرا و میانه روی مخالف بنیامین نتانياهو را در یک ائتلاف متحد کند.

رییس جمهوری اسرائیل تا روز چهارشنبه به یائیر لاپید، رهبر حزب راست میانه «بیش عقید» برای توافق با احزاب مختلف کنست و تشکیل دولت مهلت داده است. این تصمیم پس از آن گرفته شد که نتانياهو چندین بار در تشکیل دولت ائتلافی ناکام ماند.

عرب بوده است. حزب نفتالی بنت هفت کرسی در کنست دارد.

پیشتر شبکه ۱۲ اسرائیل روز شنبه گزارش داده بود که بنت با لاپید به این توافق رسیده که بنت تا سپتامبر ۲۰۲۳ نخست وزیر باشد و پس از آن یائیر لاپید تا نوامبر ۲۰۲۵ این سمت را عهده دار شود.

همزمان با مذاکرات برای تشکیل دولت آینده اسرائیل، مذاکرات این کشور با مصر برای تثبیت و استمرار توافق آتش بس با حماس نیز در جریان است.

روز یکشنبه ارشدترین مقام امنیتی مصر راهی اسرائیل شد و وزیر خارجه اسرائیل نیز به مصر سفر کرد.

علاوه بر این، عباس کامل، رییس دستگاه اطلاعاتی مصر، نیز در بیت المقدس با بنیامین نتانياهو دیدار کرد و پس از آن برای دیدار با محمود عباس، رییس تشکیلات خودگردان فلسطینی، رهسپار رام الله شد.

بنیامین نتانياهو در واکنش، تشکیل چنین ائتلافی را برای امنیت اسرائیل خطرناک توصیف کرد. او روز یکشنبه با اشاره به حضور احتمالی نمایندگان احزاب مخالف و احزاب چپ گفت: «وقتی آنها در کابینه سیاسی-امنیتی بنشینند، ایران و غزه چه فکری خواهند کرد و چه اقداماتی را انجام خواهند داد. چه کسی از شهرکها دفاع خواهد کرد.»

نتانياهو همچنین خطاب به نفتالی بنت، رهبر حزب یمینا گفت: «این دولت وحدت و یا دموکراسی نیست. این حکومتی شبیه حکومت ایران، سوریه و کوریای شمالی است.»

پارلمان اسرائیل، کنست، ۱۲۰ نماینده دارد و برای تشکیل دولت نظر موافق ۶۱ تن از آنان باید جلب شود. گام نهایی لاپید در جلب حمایت احزاب، متقاعد کردن حزب یمینا به رهبری نفتالی بنت و همچنین نمایندگان

زوجهای چینی اجازه دارند تا ۳ فرزند داشته باشند

این تغییر در قوانین، پس از بررسی نتایج سرشماری اخیر چین، که ماه گذشته منتشر شد، اتفاق افتاد. نتیجه سرشماری نشان می دهد جمعیت این کشور با کمترین میزان رشد، به نسبت دهه های قبل رو به روست.

پس از اعلام نتایج سرشماری، دولت مرکزی چین تحت فشار بود تا برای تشویق بیشتر زوجها برای داشتن فرزند و جلوگیری از کاهش جمعیت، اقداماتی را انجام دهد.

اطلاعات روز: چین اعلام کرد که از این پس به هر زوج اجازه می دهد تا ۳ فرزند داشته باشند و به این ترتیب به محدودیت داشتن ۲ فرزند در هر خانواده پس از دهه ها در این کشور پایان داد.

به نقل از بی بی سی فارسی، بنا بر اعلام رسانه دولتی شین هوا این تغییر در قوانین محدودیت فرزند، در جلسه دفتر سیاسی مرکزی حزب کمونیست چین به تایید شی جین پینگ، رییس جمهور چین رسیده است.

سرشماری، چین سختگیری ها در قوانین مربوط به فرزندآوری را تغییر دهد.

چین از سال ۱۹۷۹ برای کنترل جمعیت سیاست تک فرزندی را به اجرا گذاشته بود، اما در پی کند شدن رشد جمعیت در سال ۲۰۱۶، این قانون را به داشتن حداکثر دو فرزند افزایش داد.

کسانی که از این قانون تبعیت نمی کردند، جریمه یا از کار اخراج و در مواردی هم مجبور به سقط جنین می شدند.

طبق سرشماری ۱۰ ساله چین، سال گذشته ۱۲ میلیون نوزاد در این کشور متولد شده اند که نشان دهنده کاهش ۱۸ درصدی نسبت به ۲۰۱۹ است. این پایین ترین میزان رشد جمعیت در چین از سال ۱۹۵۲ است. پس از ۲۰۱۶ که جمعیت چین روندی صعودی داشت، این چهارمین سال پیاپی است که این کشور با کاهش جمعیت روبرو بوده. چین در ۲۰۱۶ بعد از ۳۰ سال به سیاست تک فرزندی خاتمه داد. انتظار زیادی می رفت که پس از انتشار نتایج

امریکا دو میلیون بشکه نفت خام توقیف شده ایران را «فروخته است»

برچسب «نفت خام سبک بصره» از عراق انتقال یابد. اسناد این دادگاهها همچنین نشان می دهد که دولت آمریکا این محموله نفتی را ابتدا به هیوستون تگزاس برده و بیش از دو میلیون بشکه نفت خام آن را به قیمت ۱۱۰ میلیون دلار و هر بشکه حدود ۵۵ دلار فروخته است. بنا بر اعلام این دادگاه، پول فروش این محموله در ارتباط با پرونده های قضایی مربوط به ایران در گرو امریکا قرار

اطلاعات روز: به نقل از رادیو فردا، اسناد دادگاه و آمارهای دولتی امریکا نشان می دهد که این کشور دو میلیون بشکه نفت خام توقیف شده ایران در سواحل امارات متحده عربی را پس از انتقال به امریکا فروخته است.

به گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس در روز دوشنبه ۱۰ جوزا، بررسی ارقام منتشر شده در آژانس اطلاعات انرژی ایالات متحده در آخر هفته گذشته از فروش بیش از یک میلیون بشکه نفت خام متعلق به ایران از سوی امریکا در ماه مارچ خبر می دهد.

این گزارش با توجه به این که ایران سالها است تحت تحریم های امریکا قرار دارد، موجب تعجب معامله گران بازار نفت شده است.

اوایل ماه دلو سال گذشته، خبرگزاری بلومبرگ به نقل از منابع مطلع گزارش داد که دولت ایالات متحده درصدد توقیف نفت کش «آشیلاس» با محموله حدود دو میلیون بشکه نفت در بندر فجیره امارات متحده عربی است که با پرچم لیبریا حرکت می کند اما احتمال می رود متعلق ایران باشد.

به گزارش اسناد دادگاه های امریکا ایران قصد فروش این محموله را به چین داشته و قرار بوده که این محموله با



بر اساس گزارش هایی که پیشتر منتشر شده بود، حکم توقیف این نفت کش در دولت دونالد ترامپ و پیش از روی کار آمدن دولت جو بایدن صادر شده است.

در همین حال سعید خطیب زاده، سخنگوی وزارت خارجه ایران روز دوشنبه در یک نشست خبری در واکنش به این خبر گفت که از این موضوع اطلاع ندارد، اما می داند که امریکا از زمان رییس جمهور اسبق خود به دلیل برخی قوانین نفتی از ایران خریداری نکرده است. فروش نفت ایران به امریکا پس از پیروزی انقلاب ۵۷ متوقف شد.

در پی خروج دولت ترامپ از برجام و از سرگیری تحریم های امریکا در سال ۹۷ میزان صادرات نفت ایران به سایر کشورها نیز به شدت کاهش یافت.

تابستان سال گذشته مقامات دولت ترامپ اعلام کردند که چهار نفتکش حامل بنزین ایران به ونزولا را به اتهام نقض تحریم های امریکا توقیف کرده و محموله آنها را فروخته اند.

مقامات دادگستری دولت ترامپ همچنین گفته بودند، پول از حاصل فروش این محموله ها به «قربانیان تروریسم دولتی» اختصاص داده شود.

روسیه می گوید «پیام های ناخوشایندی» برای امریکا دارد

این هشدار یک روز بعد از آن داده شد که جو بایدن، رییس جمهور امریکا گفت در دیدار با ولادیمیر پوتین، رییس جمهور روسیه، او را برای احترام به حقوق بشر تحت فشار خواهد گذاشت. این دو رهبر در حالی در روز ۱۶ جون (۲۶ جوزا) در ژنو سوئیس دیدار می کنند که روابط مسکو و واشنگتن به پایین ترین سطح خود بعد از دوران جنگ سرد رسیده است.

آقای ریابکوف گفت که روسیه برای پاسخ دادن به خواسته های آقای بایدن درباره حقوق بشر آماده خواهد بود و افزود مسکو برای برنامه ریزی و تعیین

اطلاعات روز: مسکو می گوید در روزهای آینده و در آستانه دیدار رهبران روسیه و امریکا، پیام های «ناخوشایندی» برای واشنگتن ارسال خواهد کرد.

به گزارش بی بی سی فارسی، هم زمان وزارت دفاع روسیه از برنامه خود برای افزایش نیروها و تجهیزات نظامی در مرزهای غربی این کشور خبر داده است.

سرگئی ریابکوف، معاون وزیر خارجه روسیه، روز دوشنبه ۳۱ می گفت: « امریکایی ها - از جمله در روزهای آینده - باید آماده دریافت پیام هایی از مسکو باشند که برای آنها خوشایند نخواهد بود.»

دستور جلسه ملاقات رهبران دو کشور انعطاف بیشتری از واشنگتن نشان داده است. روابط روسیه و غرب بعد از زندانی شدن الکسی ناوالنی، منتقد کرملین، افزایش نیروهای نظامی در مرز اوکراین و اختلافات بر سر بلاروس پرتنش شده است.

استقرار ۲۰ واحد نظامی در غرب روسیه

هم زمان، سرگئی شویگو، وزیر دفاع روسیه گفته است که امریکا و دیگر اعضای ناتو به تازگی تحرکات نظامی خود را در غرب روسیه افزایش داده اند و هشدار داد که

روسیه هم متقابلا اقدام خواهد کرد. به گزارش خبرگزاری اینترفکس روسیه آقای شویگو گفت: «اقدامات همکاران غربی ما در حال نابود کردن نظام امنیتی دنیا است و ما را مجبور به اقدام متقابل می کند.»

به گفته وزیر دفاع روسیه این کشور تا پایان سال ۲۰۲۱ حدود ۲۰ واحد نظامی را در مرزهای غربی روسیه مستقر خواهد کرد.

آقای شویگو گفت که علاوه بر این نیروهای مستقر در منطقه نظامی غرب روسیه، حدود ۲۰ هزار واحد تجهیزات تازه دریافت خواهند کرد.

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی zaki.daryabi2@gmail.com

سردبیر چاپی: م. علی جاوید مالکی ۰۷۰۲۲۷۷۵۰۶

سردبیر آنلاین: الیاس نواندیش

گزارشگران و خبرنگاران: ابودر ملک نژاد، جلیل رونق، خادم حسین کریمی، سهراب سروش، عابر شایگان، عباس اسدیان، معصومه جعفری، عصمت الله سروش، لطف علی سلطانی، لیاقت لایق، هادی خوشنویس، واجد روحانی و فریضه عالمی

بخش صلح: حسین علی کریمی، عباس عارفی و فاطمه فرامرز

مترجم: جلیل پژواک

ویراستار: شیر مهریار

صفحه آرا: رضا مظفری

ارتباطات و روابط عمومی: محمد حسین جويا

ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com

mjoya.dailyetilaatroz@gmail.com

شماره تماس: ۰۷۹۷۴۳۵۷۷۷ - ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲

توزیع: کانون فرهنگی زنگ صبح ۰۷۴۴۰۲۱۹۵۲

شماره تماس: ۰۷۲۹۱۱۹۵۵۱ - ۰۲۰۲۵۰۱۸۷

واحد روحانی - هرات

به دیدار پزشکی رفتم که نه کارش در افغانستان معمول است و نه به بیمارانش به‌عنوان افراد معمولی در افغانستان نگاه می‌شود. بیماران داکتر رفیع خروش، تراجنسی‌ها هستند و خواسته‌هایشان متفاوت از دیگران؛ تغییر جنسیت زیر تیغ جراحی. داکتر رفیع خروش در یک‌ونیم سال گذشته دست‌کم ۱۹ مورد عملیات تغییر جنسیت را در هرات انجام داده است.

تراجنسی‌ها در افغانستان زندگی دشواری دارند و بسیاری از آنان در انزوا به‌سر می‌برند. این مشکل بسیاری را به قبول عملیات پرخطر تغییر جنسیت واداشته است. داکتر رفیع می‌گوید بیمارانش به یک امید به او مراجعه می‌کنند: برگشت به زندگی عادی در جامعه: «تراجنسی‌ها به مانند سوراخ قلب، اپاندکس و سنگ کیسه صفرا و دیگر بیماری‌هاست.»

پزشکی که این روزها در هرات روزنه‌ی امیدی برای تراجنسی‌ها شده، عملیات فوق تخصص خود را از هند گرفته است. او می‌گوید تقاضا برای تغییر جنسیت در هرات بلند است و مراجعانی از دیگر ولایت‌های کشور نیز دارد.

پنهان کاری

روایت پزشکی که در هرات عملیات تغییر جنسیت انجام می‌دهد، روایت ننگه‌هاست. داکتر خروش می‌گوید اغلب خانواده‌ها نمی‌خواهند که عملیات تغییر جنسیت فرزندشان فاش شود. حتی به گفته‌ی او در بسیاری از مواقع خانواده‌ها مخالف تغییر جنسیت‌اند و حتی اجازه کتبی برای انجام این عملیات نمی‌دهند. او به چشم خود دیده است که چگونه برخی از تراجنسی‌ها بدون این‌که به آرزوی برسد، با چشم گریان معاینه‌خانه‌اش را ترک کرده است.

محمدرفیع خروش می‌گوید که تشخیص تراجنسی‌ها توسط کدام آزمایش امکان‌پذیر نیست و تنها توسط رفتار و کردارشان صورت می‌گیرد که تراجنسی‌ها مرد و یا زن هستند. تغییر جنسیت در کودکی به مراتب از جوانی و پیری آسان‌تر است. این پزشک می‌گوید تراجنسی‌ها در کودکی با استفاده از داروهای هورمونی زودتر می‌توانند که تغییر جنسیت بدهند: «زیر سن نتایج تغییر جنسیت مفیدتر است و نتایج قناعت‌بخش به‌دست می‌آوریم و به‌سادگی تغییر جنسیت انجام می‌شود.»

رازی که به گور برده شود

ترجیح بسیاری از اقلیت‌های جنسی این است که کسی از راز آن‌ها خبر نشود. به همین دلیل با کسانی که در این گزارش گفت‌وگو شده، ترجیح‌شان این است که با نام مستعار از آن‌ها یاد شود.



«تغییر هویت» با تیغ جراحی؛

رونق تغییر جنسیت تراجنسی‌ها در هرات

لاله ۱۱ سال عمرش را به گفته‌ی خودش با سختی و انزوای بیش‌ازحد در کنج خانه سر کرده است. ترس از افشاشدن هویت جنسی او، مادرش نیز رنج داده است. او سال‌های آزرگاز هویت دخترش را حتی از اقوام نزدیک‌اش پنهان کرده است.

سرانجام طاق‌ت مادر لاله طاق شد و هویت دخترش را زیر تیغ جراحی فرستاد. در یک عملیات مغلق، لاله هویتش را انتخاب کرد. مادر لاله می‌گوید که با تغییر جنسیت با خیال آسوده دخترش در جامعه‌ی به‌شدت سنتی و محافظه‌کار هرات به زندگی‌اش برگشته است. او همچنان تأکید می‌کند که نباید از هویت قبلی جنسی دخترش دیگران مطلع شوند و آوازه‌ی عملیات دخترش و این راز به گور برده شود: «خود من همیشه رنج می‌بردم که دخترم من تراجنسی بود. خود دخترم هم خیلی اذیت می‌شد و گریه می‌کرد و حالا خوشحال است که تغییر جنسیت داده است.»

او جزئیات بیشتری در این مورد به‌دلیل

افشاشدن هویت‌اش ارائه نمی‌کند.

انتخاب انزوای بیشتر تراجنسی‌ها ترس از آزار و اذیت و حتا تهدید و مرگ است. تراجنسی‌ها در قانون مدنی کشور جایگاه مشخص ندارند و در قوانین نافذ کشور درباره‌ی حقوق اقلیت‌های جنسی تقریباً چیزی گفته نشده است. تنها در ماده ۲۰۵۷ در مورد میراث «جنس خنثا» یاد شده است: «خنثایی که ذکوریت و انوئت او فهمیده شده نتواند، اقل نصیبین (کم‌ترین سهم میراث در مقایسه با دختر و پسر) را مستحق شده و باقی‌مانده متروکه به ورثه دیگر داده می‌شود.»

روای تغییر جنسیت

صبور حسینی، ۶۴ ساله یکی از مدافعان حقوق اقلیت‌های جنسی در افغانستان است. او سال گذشته با مصاحبه با رسانه‌ها هویت جنسی‌اش را افشا کرد تا از این طریق بتواند برای حقوق این اقلیت‌های جنسی دادخواهی کند.

او پیشنهاد می‌کند که وزارت‌های معارف، تحصیلات عالی، اطلاعات و فرهنگ، جامعه مدنی و رسانه‌ها باید هماهنگ برای آشنایی مردم با اقلیت‌های جنسی تلاش کنند و همچنین نهادهای قانون‌گذار قوانینی را در راستای حمایت از حقوق آنان تصویب کنند. او تصویب قوانین را گامی موثر برای به حداقل رساندن آسیب به آن‌ها می‌داند.

تراجنسی‌ها کودکان‌شان را بپذیرند و اگر پذیرش این هویت جنسی برای‌شان غیرقابل قبول بود، به تغییر جنسیت اقدام کنند: «خانواده‌ها باید تراجنسی‌بودن کودکان‌شان را بپذیرند، چرا که خداوند آنان را پذیرفته است. تراجنسی‌ها هم انسان هستند و باید احترام شوند.»

صبور حسینی گرایش زیادی به جنسیت زنانه دارد و همیشه دوست دارد که با لباس زنانه و آرایش غلیظ در جامعه هرات حضور پیدا کند، اما حضور افراط‌گرایان دینی وی را از پوشیدن لباس زنانه و آرایش در اجتماع محروم کرده است.

صبور حسینی می‌کوشد قدم به قدم به رویایش یعنی تغییر جنسیت نزدیک‌تر شود: «واقعاً دوست دارم یک زن باشم و تغییر جنسیت می‌دهم، هرچند می‌دانم که چانس زنده‌ماندن من کم است.»

چرا تراجنسی‌ها در افغانستان تابو است؟

مفهوم تراجنسی‌ها در افغانستان همچنان تابو شمرده می‌شود. محمد فقیری، جامعه‌شناس در صحبت با روزنامه اطلاعات روز، دلایل تابو بودن این مفهوم را پایین‌بودن سطح سواد، پایبندی به سنت‌ها و محافظه‌کاری افراد جامعه می‌داند: «در جامعه افغانستان مرد بودن یک فضیلت پنداشته می‌شود. اگر گرایش جنسی دیگری داشته باشید، جامعه سنتی افغانستان آن را قبول نمی‌کند. ما پشتوانه‌های قانونی و فرهنگی برای حمایت از گرایش‌های جنسی تدوین نکردیم.»

او پیشنهاد می‌کند که وزارت‌های معارف، تحصیلات عالی، اطلاعات و فرهنگ، جامعه مدنی و رسانه‌ها باید هماهنگ برای آشنایی مردم با اقلیت‌های جنسی تلاش کنند و همچنین نهادهای قانون‌گذار قوانینی را در راستای حمایت از حقوق آنان تصویب کنند. او تصویب قوانین را گامی موثر برای به حداقل رساندن آسیب به آن‌ها می‌داند.

طی چند سال اخیر، جریان‌های افراط‌گرایی دینی در هرات قدرت‌مند شده‌اند و این موضوع روی تغییر جنسیت هم تأثیر گذاشته است. حتا ترجیح داکتر رفیع خروش این است که کمکش به تراجنسی‌ها برای یافتن یک هویت خودخواسته‌ی دیگر کم‌تر رسانه‌ای شود.

او از حکومت می‌خواهد تا تغییر جنسیت را رسمی کند؛ زیرا این کار بیشتر کمک می‌کند تراجنسی‌ها از برزخ جامعه که هویت‌شان را به رسمیت نمی‌شناسند، رهایی یابد: «دولت باید تغییر جنسیت را رسمی کند تا خدای ناخواسته ما محکوم به مشکل نشویم. هدف جراحی تغییر جنسیت، خدمت به یک انسان و نجات‌دادن وی از بی‌سرنوشتی است. تصور نشود که من کاری خلاف خلقت خداوند انجام می‌دهم.»

افشاشدن هویت جنسی‌اش برای‌شان گران تمام شد و چندین بار مورد حمله افراد قرار گرفت و شدیداً زخمی شد. صبور حسینی در صحبت با روزنامه اطلاعات روز می‌گوید که میزان آزار و اذیت‌اش به مراتب حالا بیشتر شده است. صبور حسینی را بیناجنسی می‌گویند. میان‌جنسی/ بیناجنسی یا Intersex به افرادی گفته می‌شود که اعضای جنسی و اعضای بدنش کاملاً زنانه یا مردانه نیست. اغلب این افراد اندام‌های جنسی مربوط به یک جنس را دارد (صفات اولیه) اما موی صورت، لحن صدا، توزیع چربی در بدن، ساختار استخوانی و استقامت ماهیچه‌ای (صفات ثانویه) او کم و بیش شبیه جنس دیگر است. نهادهای حقوق بشری و حامی اقلیت‌های جنسی اشخاص با این ویژگی بدنی را نه مرد و نه زن می‌دانند و از آنان به‌عنوان جنس سوم نیز یاد می‌کنند.

صبور حسینی سه دهه از عمرش را صرف معلمی کرده است. او چندین سال می‌شود که در یکی از مکاتب دولتی در ولسوالی گذره هرات کودکان را آموزش می‌دهد. مسیر طولانی خانه صبور با این مکتب، بارها و بارها باعث آزار و اذیت‌اش شده است.

او حالا می‌خواهد که با تقاعد معلمی بتواند تغییر جنسیت بدهد و به‌عنوان یک زن زندگی کند. او راوی دشواری‌های اقلیت جنسی است که اغلب نمی‌خواهند با رسانه‌ها مصاحبه کنند.

او از خانواده‌ها می‌خواهد که در گام نخست



دولت جمهوری اسلامی افغانستان
وزارت مخابرات و تکنالوژی معلوماتی

ریاست عمومی مالی و اداری
ریاست تدارکات
آمریت تدارکات
مدیریت عمومی تدارکات اجناس

د افغانستان اسلامی جمهوری دولت
د مخابراتو او معلوماتی تکنالوژی وزارت



موضوع: اعلان داوطلبی خریداری انتی‌ویروس برای شبکه داخلی وزارت مخابرات و تکنالوژی معلوماتی:

موضوع: اعلان داوطلبی خریداری انتی‌ویروس برای شبکه داخلی وزارت مخابرات و تکنالوژی معلوماتی، نمبر داوطلبی: MCIT/1400/NCB/G-20، نوع قرارداد: بالمقطع.

وزارت مخابرات و تکنالوژی معلوماتی از تمام داوطلبان واجد شرایط دعوت می‌نماید تا در پروسه خریداری انتی‌ویروس برای شبکه داخلی وزارت مخابرات و تکنالوژی معلوماتی اشتراک نموده و آفرهای خویش را مطابق شرایط مندرج شرطنامه و طبق قانون و طرز‌العمل تدارکات طور سربرسته الی ساعت ۱۰:۰۰ بجه قبل از ظهر مورخ ۱/سرطان/۱۴۰۰ به دفتر ریاست تدارکات منزل ۱۴ تعمیر ۱۸ منزله وزارت مخابرات محمدجان خان‌وات ناحیه دوم شهر کابل ارائه نمایند. آفرهای ناوقت رسیده و از طریق ایمیل قابل پذیرش نمی‌باشد. و همچنان داوطلبان می‌توانند شرطنامه را از وبسایت اداره تدارکات ملی WWW.NPA.GOV.AF و وبسایت وزارت مخابرات و تکنالوژی معلوماتی WWW.MCIT.GOV.AF دریافت نمایند و همچنان داوطلبان می‌توانند از طریق فلش شرطنامه را از مدیریت عمومی تدارکات منزل ۱۴ اخذ نمایند. داوطلبان تضمین آفر را به شکل تضمین بانکی که به مبلغ چهل و نه هزار و سه صد و نود (۴۹,۳۹۰) افغانی مطابق مندرج شرطنامه در جلسه آفرگشایی ارایه نمایند. جلسه آفرگشایی به ساعت ۱۰:۰۰ بجه قبل از ظهر مورخ ۱/سرطان/۱۴۰۰ به دفتر ریاست تدارکات منزل ۱۴ تعمیر ۱۸ منزله تدویر می‌گردد.

REQUEST FOR EXPRESSIONS OF INTEREST(REOI)

Procurement Entity	Ministry Of Communications & Information Technology (MCIT), Islamic Republic of Afghanistan
Funded By	Afghanistan GOV.
Item Description/Ref No.	Afghanistan Root Certificate Authority Infrastructure, MCIT/1400/ICB/NC-24/QCBS
Deadline For EOI Submission	13/June/2021 by 10:00 AM (local time)
Address for Submission Of EOIs	Procurement Directorate 14th Floor MCIT Building Muhammad Jan Khan Watt Kabul Afghanistan, And you can Submit EOI through emails as well, which are given below.
REOI & TOR are available at	www.mcit.gov.af, www.npa.org.af interested consultants may download the REOI and TOR from NPA and MCIT websites 'In case of any problems in downloading, may obtain the same by sending e-mail at the address given below email addresses: ghulam.1996@gmail.com, rahibkakar123@gmail.com

عوامل بی‌احتیاطی شهروندان افغانستان در برابر ویروس کرونا (۱)

عبدالمنان دهزاد

ویروس کرونا در مرکز صنعتی شهر ووهان چین در اواخر دسامبر ۲۰۱۹ ظهور کرد و دیری نگذشت که کشورها را یکی پی دیگر تسخیر و در نهایت جهان را به لرزه درآورد. شیوع برق‌آسای این ویروس در جهان و اظهار ناتوانی دولت‌ها در برابر آن، ثابت کرد که جهانیان با این همه ادعاهایی دانایی، تخصص و پیشرفت، هنوز هم در ابتدای راه‌اند. این ویروس در کنار آسیبی که به همه کشورهای فرادست و فرودست جهان زد، همچنان تحت رسوایی و ناتوانی نظام سرمایه‌داری قرن بیستم و در رأس آن، قدرتهایی یکه‌سالار را که مدعی تأمین نظم و امنیت جهانی بودند و از همین جایگاه بر دیگران فخر می‌فروختند را بر زمین زد و بر جهانیان فهماند که آن‌ها حتا توانایی مدیریت یک بحران درون کشوری را ندارند.

سرانجام چند ماه پس از بیرون شدن آن از ووهان چین، سر از افغانستان بیرون کرد؛ کشوری که هیچ نوع امکانات پزشکی در اختیارش نبود، در همان روزهایی که کشورها یکی پی دیگر به قرنطینه می‌رفتند، دانش‌جویان و بازرگانان افغانستانی از چین وارد کشور شدند. حکومت افغانستان برخی از پزشکان را در میدان هوایی بین‌المللی کابل گماشت تا آنان را تشخیص دهند که آیا آلوده به ویروس کرونا هستند یا نه؟ اما داستان پرس‌وپال این پزشکان از شهروندان برگشته از چین، به جوک و سرگرمی کاربران شبکه‌های اجتماعی مبدل شد. این گماشته‌شدگان دولت، چیزی در کف نداشتند تا فرد بیمار را از صحت‌مند تشخیص دهند. داکتران با این پرسش آن‌ها را روانه‌ی خانه‌هایی‌شان می‌کردند: «شما کرونا ندارید؟» یا گلو درد و سردرد که نیستید؟» آن‌ها به راحتی می‌گفتند که خیر! کاملا جور هستیم و تندرست. اما بعدها معلوم شد که دست‌کم پانزده روز باید فرد را قرنطین نمود تا مشخص شود که فرد مبتلا به کرونا است یا نه، چه رسد که بسیاری از این بیماران اصلا علایمی ندارند. همین که ویروس کرونا سر از ایران بیرون کرد و خبرساز شد (۲۹ دلو ۱۳۹۸)، شماری زیادی از شهروندان مهاجر افغانستانی از آن کشور بار و بسترشان را برداشتند و به افغانستان آمدند تا به کرونا آلوده نشوند، تعداد آن‌ها از صدها هزار نفر می‌گذشت. آن‌ها هم به سادگی در سراسر افغانستان پخش شدند، بی‌آنکه مایه‌ی نگرانی دولت‌مردان کشور شوند. اما بعدها معلوم شد که دولت‌مردان افغانستان از همان ابتدا منتظر بودند که چگونه از گاو کرونا شیر بدوشند. چون افغانستان به تازگی انتخابات ریاست‌جمهوری پر تنش را پشت سر نهاده بود، انتخاباتی که در غیبت حمایت مالی آمریکا و جامعه جهانی برگزار شد. در این انتخابات، یکی از نامزدان که هم‌زمان رییس‌جمهور برحالی هم بود، همه امکانات مالی کشور را در پای انتخابات ریخت تا رأی مردم را بخرد. سرانجام منابع پولی کشور خالی شده بود که سروکله‌ی ویروس کرونا پیدا شد. کرونا باوجودی که برای جهانیان شوکه‌کننده بود، اما برای برخی از سیاست‌گردان و دولت‌مردان حاکم افغانستان «نجات‌دهنده» تلقی شد؛ اعم از رهگذر سیاسی و اقتصادی. هنگامی که انتخابات ریاست‌جمهوری به بحران رفت، انتظار می‌رفت که تیم مدعی پیروزی (تیم ثبات و همگرایی)، مردم را به جاده‌ها بکشاند، ولی شیوع کرونا در افغانستان نه تنها راه آن‌ها را بست، بلکه خاطر تیم مدعی پیروزی را همیشه از راه‌پیمایی جمع کرد. همچنان انتخابات ریاست‌جمهوری، منابع مالی دولت افغانستان را بلعید و آمریکا، هشدار به قطع کمک‌ها و ظاهرا به بیرون کردن کامل نیروهایش از افغانستان تأکید کرد. از این پس، خطر راه‌پیمایی و تظاهرات برطرف شد، و بحث بیکاری، گسترش فقر و گرسنگی روزافزون



به‌وجود آوردند که کسی به زیارت کعبه شریف نرود. ویروس کرونا فقط انسان‌های ناپاک را می‌برد و پاکان می‌مانند. بنابراین این ویروس خطرناک نیست، اما ۶۷ درصد جمعیت کره زمین نابود می‌شود. و در آخر نتیجه می‌گیرد که کرونا تبلیغات دشمنان انسانیت است او چند روز قبل در یکی از برنامه‌های تلویزیونی از این طرح پا را فراتر گذاشت و مدعی شد که «اگر خواسته باشید، من آماده هستم که این ویروس را خنثا بسازم.» (مصاحبه صدیق افغان با تلویزیون خصوصی میترا، ۴ اپریل ۲۰۲۰). از تبصره در باره این اظهار نظر عجیب‌وغریب می‌گذریم، چون اگر قرار باشد، در باره آن بحث نمایم، مقاله‌ی دیگری خواهد شد. اما به این مسأله می‌پردازم که عوامل اصلی این همه اظهار نظرهای غیر مسئولانه چیست؟ چرا در این سرزمین همه‌کس در نقش صاحب‌نظر تشریف دارند و دوست ندارند که خاموش بنشینند و جایگاه هر چیز را به اهل آن باز نمایند؟

الف) بی‌باوری به دانش و علوم پزشکی:
نزدیک به نیم قرن جنگ، ویرانی و آوارگی، همه‌کس را در برابر همه‌چیز بدبین و بی‌باور ساخته است. بدبینی و بی‌باوری در روزگار ما، بیشتر از هر چیزی دیگری، دامن‌گیر دانش و علوم تجربی شده است. کم حوصله‌گی حداکثر مردمان این کشور، زمینه‌ی تعقل و تفکر را از آن‌ها ستانده و پیوسته تلاش می‌کنند که راه ساده را جست‌وجو نمایند. علمای دینی جامعه افغانستان به حق که صدرنشین قافله‌اند، حداکثر آن‌ها زحمت تحقیق و پژوهش را به خود نمی‌دهند تا در باره ماهیت و چیستی و چگونگی یک پدیده که اسمی چیزی را تازه شنیدند، بی‌حجاب یا حواله‌ی تقدیر می‌نمایند و یا توطئه دشمنان اسلام و مسلمانان، از این‌ها پیشگامان و متولیان امور اعتقادی و مذهبی مردم هستند، هرچه آن‌ها بگویند، نغز و دل‌پسند و حق تعبیر می‌شود. حداکثر آن‌ها به علوم پزشکی باورمند نیستند، بیماران را خود با روش‌های سنتی درمان می‌کنند. اگر «بیماران» خوب شدند، که خوب، اگر از این جهان به اثر آن بیماری رفتند، چیزی عجیبی نیفتاده است، جز اینکه «وقتش به پایان رسیده و خدایش بخشاید». هنگامی که ویروس کرونا شیوع یافت، مردم به جای اینکه به سخنان پزشکان، سازمان بهداشتی جهان و حکومت گوش دهند، یا به سخنان‌های این‌ها گوش داده و باور کردند و یا دنبال داروهای غیر صحتی مثل «محمدحکیم الکوزی» رفتند؛ مردی که مدعی بود خود واکسن داروی کرونا را کشف کرده است، بی‌آنکه تخصصی در علم پزشکی داشته باشد. آقای الکوزی در باره نتیجه‌بخش بودن واکسن متذکره گفت «اگر دواي که ساخته‌ام، نتیجه ندهد، حاضرم مجازات شوم». اما پس از تحقیق و بررسی، وزارت صحت عامه اعلام کرد که «مؤثریت دواي او ثابت نشده، بلکه در این دارو از ۹ نوع مواد تسکین‌دهنده و نشه‌آور استفاده شده و مصرف مکرر آن اعتیادآور است» (بی‌بی‌سی فارسی: ۲۱ خرداد ۱۳۹۹). سرانجام کلینیک او بسته شد و حکم بازداشتش نیز صادر گردید. سرانجام او بازداشت نشد اما دیگر خبری از او نشد که چه شد و کجا رفت. البته این مسأله تنها مال جامعه افغانستان نبود، از کشورهای پیشرفته و توسعه‌یافته‌ی جهان، از کشورهای کم‌بیش همین تجربه را داشتند و از ترس مرگ به همه‌چیز و همه‌جا چنگ زدند. این رویدادها اما در افغانستان نشان می‌دهد که مردم چقدر نسبت به ساختارهای رسمی احساس بی‌اعتمادی دارند.

ادامه دارد...

همه‌جا را در می‌نوردید و نهادهای مسئول و ذیصلاح صحتی توصیه‌های پزشکی و توزیع پوزبند (ماسک) و سایر داروهای ضدعفونی بودند، شماری دیگر، برخی از احادیث مرتبط به موضوع را از پیامبر بزرگ اسلام، کاپی نموده و در میان مردم مجانی پخش کردند. اما دیری نگذشت که خبر مبتلا شدن آن‌ها به گوش رسید. بسیاری آن‌ها پس از مدتی صحت‌یاب شدند، اما برخی از اعضای کهن‌سال خانواده‌شان قربانی کرونا شد. تقصیر این‌ها نبود. جوانانی بودند که نه ویروس را می‌شناختند و نه دین را، بلکه به خطابه‌ها عالمان دینی گوش فرا داده و سخنان و دستورات‌های آنان را در این زمینه «درست» می‌پنداشتند. اما پیامد آن، افزون بر اینکه نیکو و بر میل مراد عالمان دینی نبود، شماری از این جوانان و مردان منصف هم در مواجهه با کرونا به‌دور از داوری‌ها و موضع‌گیری‌های عجیب‌وغریبی نبودند. بلاخره نیم قرن جنگ پی‌درپی و تجربه‌ی چندین ایدئولوژی و نظام‌های سیاسی، این مردم را «سیاست‌زده» کرده است. این‌ها روزانه ده‌ها ویدیو و نقل قول مقامات غربی و شرقی را در میان کاربران شبکه‌های اجتماعی و مجالس عینی دست‌به‌دست می‌کردند تا ثابت نمایند که پشت این ویروس دست فلان کشور بوده است. در میان شهروندان افغانستانی در این میان دست‌کم سه دیدگاه وجود داشت. همین که ویروس حکومت چین را دست‌وپاچه ساخت و اقتصاد این کشور را ضربه زد، گفتند کار امریکاست. آنگاه که کرونا سر از امریکا در آورد و این کشور را در بحران بیکاری و مرگ‌ومیر گسترده فرو برد، گفتند کار چین بوده است. اما گروه دیگر همه‌جا جار زدند که هرچه باشد، غذای است که خداوند بر سر کفار و بی‌دین‌ها آورده و از آن باید استقبال کرد. متولیان دیدگاه سوم بی‌آنکه مردم را به حفظ‌الصحه و دستورات‌های بهداشتی تشویق کنند، پیوسته احادیث و روایت‌های دینی را از صدر اسلام نقل و پخش کردند که در صورتی که مسلمانان این احادیث را روزانه بخوانند از شر بیماری کرونا در امان می‌مانند. زیرا این ویروس غذایی‌ست از جانب خداوند بالای انسان‌های شرور و گناه‌کار!

شماری از سر خیر احادیث پیامبر بزرگ اسلام را کاپی کردند و در میان مردم پخش نمودند تا سپری باشد برای نجات از کرونا و بسیاری از مردم همه‌جا از دیوارهای خانه‌های شخصی گرفته تا دفاتر و دکان‌ها، آن را نصب کردند. در همان هنگامی که موج سرکش ویروس کرونا